



دانشگاه باقر العلوم  
(عمر دینی - عمر تمدنی)

السلام

دانشگاه باقر العلوم علیه

دانشکده: علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

# سازوکار مقابله با چالشهای سیاسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیره امام علی (ع)

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر نجف لک زایی

نگارش:

ابراهیم نعمتی

شهریور 1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَاهْلِكْ اَعْدَاءَهُمْ»

تقدیم به مدینه‌ی علم الهی حضرت خاتم الانبیاء ﷺ و باب مدینه‌ی علم، علی اعلیٰ □ و بانوی بی‌نشان عالم، نور ملک و ملکوت حضرت صدیقه طاهره □ و اولاد طاهرینش □ □ و معمار کبیر جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) و شهداء انقلاب و دفاع مقدس و آنانکه برای تثبیت و تداوم این نظام مقدس در تلاشند.

## تشر و تقدیر

از زحمات استاد راهنما جناب آقای دکتر بهروز لک که در طول تدوین این پایان نامه با راهنمایی‌های خود یارم کرد صمیمانه سپاسگذارم و نیز تشکر ویژه از استاد دکتر لکزایی که مشاوره آن را برعهده گرفت و نیز از آقایان دکتر ستوده و دکتر فلاح‌زاده که با مطالعه آن و تذکرات خود در رفع اشکالات آن کمک نمودند قدردانی می‌کنم.

## چکیده

پژوهش حاضر برای پاسخ به این سؤال اصلی شکل گرفت که سازوکارهای مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سیره امام علی، علی‌ه السلام چیست؟ فرضیه ارائه شده عبارت از این است که: مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سیره امام علی علیه السلام نیازمند سازوکارهای فرهنگی (جامعه‌پذیری)، سیاسی (استخدام سیاسی)، اجتماعی (کنترل اجتماعی) است تا با استفاده از آنها نظام بر چالشهای موجود تفوق یابد چنانچه در سیره امام علی نیز همین سازوکارها در برابر چالشها بکار رفته است.

در این نوشتار با بهره‌گیری از چارچوب ساختارگرایی کارکردی (رویکرد سیستمی) سعی شده است از طریق سازوکارهای فوق‌الذکر، سازوکار مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی استخراج گردد.

با نگاهی به سیره امام علی علیه السلام در می‌یابیم که آن حضرت از سازوکارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای مقابله با چالشهای حکومت اسلامی استفاده کرده است. اهتمام به پرورش دینی مردم، نصب کارگزاران صالح و عزل عناصر ناصالح از مسند قدرت و نظارت و کنترل در تمامی ابعاد از جمله سازوکارهای امام علی علیه السلام بوده است.

لازمه انطباق‌پذیری و حفظ‌الگوی اصیل ایرانی-اسلامی بهره‌گیری از سازوکار جامعه‌پذیری است. جایگاه تربیت اسلامی در حوزهای مختلف جامعه به ویژه سیاسی در نظام اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دینی ظرفیت لازم را جهت ارائه سازوکارهای جامعه‌پذیری، ایجاد می‌نماید. توجه به فرآیند جامعه‌پذیری با انتقال ارزشها و هنجارهای فرهنگ سیاسی خودی به وسیله نهادهای جامعه‌پذیری چون خانواده، گروه همسالان، نظام آموزش مدارس، دانشگاه‌ها حوزه‌های علمیه و وسایل ارتباط جمعی، احزاب، زمینه‌ساز نهادینه شدن باورهای فرهنگ اسلامی ایرانی در شهروندان جامعه است.

هر سیستم سیاسی برای تضمین بقا و تداوم کارکرد خود نیازمند به سازوکاری است که از طریق آن سیستم مدیریت شود. این موضوع بر اساس تجارب زندگی مدنی از طریق سازوکارهای مانند؛ بیعت در دوره امام علی علیه السلام و به شکل امروزی انتخابات و رویکرد نمایندگی حاصل می‌گردد. گردش‌نخبگان یا به تعبیر پارسونز استخدام سیاسی از ویژگیهای برجسته نظامهای مردم‌سالار می‌باشد. این سازوکار که در مرحله ورودی نظام سیاسی قرار دارد، هم به تطبیق‌پذیری نظام با محیط پیرامونی کمک می‌کند هم از استعدادهای محیط به عنوان منبع بهره می‌برد.

برای تداوم پروسه ثبات در سیستم و پیشگیری از ناکارآمدی نظام، سازوکار کنترل اجتماعی طراحی گردیده است این سازوکار در نظامهای مختلف با رویکردهای متفاوتی اجرا می‌گردد با عنایت به فرهنگ سیاسی-مذهبی جامعه ایران می‌توان سازوکار کنترل را با تعبیه نهادهای نظارت و بازرسی در حوزه حکومت و رویکرد امر به معروف و نهی از منکر در سطح اجتماعی به مرحله اجرا گذارد، ایجاد شبکه روابط اجتماعی سیاسی مانند شکل‌گیری احزاب قدرتمند و گسترش نهادهای دینی می‌تواند در ساماندهی نظام کنترل اجتماعی موثر باشد.

## فهرست مطالب

1.....	مقدمه پژوهش: طرح تحقیق
2.....	<u>بیان مسئله</u>
3.....	<u>اهمیت و فایده موضوع:</u>
3.....	<u>هدف پژوهش:</u>
4.....	<u>سابقه پژوهش:</u>
4.....	<u>سئوال اصلی:</u>
4.....	<u>فرضیه‌های پژوهش:</u>
4.....	<u>سئوالات فرعی:</u>
4.....	<u>پیش فرضها:</u>
5.....	<u>اهداف پژوهش:</u>
5.....	<u>روش پژوهش:</u>
5.....	<u>روش گردآوری:</u>
5.....	<u>متغیر مستقل:</u>
6.....	<u>متغیر وابسته:</u>
6.....	<u>سازمان دهی پژوهش:</u>
7.....	فصل اول: مفاهیم و چارچوب نظری

8	<u>مقدمه</u>
9	<u>گفتار اول: تعریف مفاهیم</u>
9	<u>ساخت</u>
10	<u>ساختار اجتماعی</u>
10	<u>ساختار سیاسی</u>
11	<u>چالش</u>
11	<u>کارکرد</u>
11	<u>فرهنگ</u>
12	<u>ویژگی های فرهنگ</u>
14	<u>کارکردهای فرهنگ</u>
14	<u>فرهنگ سیاسی</u>
15	<u>انواع فرهنگ سیاسی</u>
17	<u>خرده فرهنگ سیاسی</u>
18	<u>جامعه پذیری:</u>
18	<u>سازوکارهای سیاسی:</u>
18	<u>سازوکارهای اجتماعی:</u>
19	<u>گفتار دوم: نظریه سیستم</u>
19	<u>تعریف سیستم:</u>
20	<u>متغیرهای سیستم</u>
20	<u>1- وابستگی اجزای سیستم:</u>
20	<u>2- تصور ارگانیک:</u>
21	<u>3- کل نگری:</u>
21	<u>4- تعامل</u>
22	<u>5- تعادل:</u>

23	<u>6- انسجام و یکپارچگی</u>
23	<u>7- کارکرد و هدف</u>
23	<u>8- سلسله مراتب</u>
24	<u>9- الگوی درون داد - تبدیل - برون داد:</u>
24	<u>10- باز خورد و کنترل:</u>
25	<u>11- آنتروپی:</u>
25	<u>12- مفهوم واقعیت غایی:</u>
25	<u>مفروضات ساختارگرای کارکردی</u>
26	<u>نظام کنش اجتماعی</u>
28	<u>الف) ساخت ها</u>
30	<u>ب) کارکردها</u>
30	<u>کارکرد حفظ الگو یا صیانت:</u>
31	<u>کارکرد انطباق و سازگاری با محیط:</u>
31	<u>کارکرد تحقق اهداف:</u>
32	<u>کارکرد وحدت و یگانگی:</u>
34	<u>ج) فرآیند</u>
36	<u>سیستم سیاسی</u>
39	<u>چالش ها و سازوکارهای نظام</u>
39	<u>علل پیدایش چالش ها و سطوح آن</u>
42	<u>چالشها در نظریه ساختاری کارکردی</u>
44	<u>عناصر مقابله با چالش</u>
45	<u>استراتژیهای تعدیل چالش ها:</u>
48	<u>سازوکارهای مقابله با چالش های سیستم</u>



50	..... <a href="#">سازوکارهای فرهنگی (جامعه‌پذیری)</a>
51	..... <a href="#">سازوکارهای اجتماعی (کنترل اجتماعی)</a>
53	..... <a href="#">سازوکارهای سیاسی (استخدام سیاسی)</a>
55	..... <a href="#">نتیجه‌گیری</a>
<b>فصل دوم: سازوکار مقابله با چالش‌های سیاسی فرهنگی در سیره سیاسی امام علی (ع)</b>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">مقدمه</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">الف) اصلاح امور برای خدا</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">ب) مهار ستم</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">ج) برپایی عدل</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">گفتار اول: چالش‌های حکومت امام علی علیه السلام</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">چالش‌های نظام فرهنگی</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">دین‌گریزی تازه مسلمانان</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">بدعت دردی‌ن</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">چالش‌های نظام سیاسی</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">چالش‌های نظام اجتماعی</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">نظام قبیله‌ای</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">اشرافیت</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">پراکندگی در جامعه اسلامی</a>	
<b>گفتار دوم: سازوکارهای امام علی در مقابله با چالش‌های موجود سازوکارهای فرهنگی از دید امام</b>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">علی (ع)</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">سازوکار اجتماعی از دید امام علی (ع)</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">کنترل اجتماعی</a>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b> ..... <a href="#">نظارت و کنترل در دولت امام علی (ع)</a>	
<b>defined.</b>	

Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">روش های نظارت از نظر امام علی (ع):</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نظارت علنی</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نظارت پنهانی</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نظارت عامه</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">امر به معروف و نهی از منکر</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازوکار مدارا</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">جهاد</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازوکارهای سیاسی از دید امام علی (ع)</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازوکار دوران انزوا</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازوکار دوران حکومت</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازوکار استخدام سیاسی</a>
Error! Bookmark not defined...	<a href="#">ویژگی های کارگزاران از دیدگاه امام علی (ع)</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">مشارکت مردم در حکومت از طریق</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">تعیین رهبران</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">بیعت</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">بازخواست و استیضاح</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">پاسخ به اعتراضات:</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">مخالفت:</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نتیجه گیری</a>
Error! Bookmark not defined.....	<b>فصل سوم: چالش های سیاسی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</b>
Error! Bookmark not defined.....	<b>not defined.</b>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">مقدمه</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">رکن اول ؛ نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">تهاجم فرهنگی</a>

Error! Bookmark not defined..... ارتجاع:

Error! Bookmark not defined..... روشنفکری مرتجع

Error! Bookmark not defined..... تحجر و حمایت متحجران

Error! Bookmark not defined..... انفعال و خودباختگی

Error! Bookmark not defined..... سلطه گفتمان‌های اومانیستی در علوم انسانی کشور  
**defined.**

Error! Bookmark not defined..... سکولاریسم

Error! Bookmark not defined..... رکن دوم: نظام سیاسی جمهوری اسلامی

Error! Bookmark not defined..... مقابله با ولایت فقیه

Error! Bookmark not defined..... اقدامات عملی

Error! Bookmark not defined..... 1- مخالفت با تصویب اصل ولایت فقیه  
**defined.**

Error! ..... 2- طرح شخصی‌تهای سیاسی موازی رهبری نظام  
**Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined..... 3- طرح کودتا و قتل رهبری

Error! Bookmark not defined..... 4- طرح انحراف در رهبری پس از امام  
**defined.**

Error! Bookmark not defined..... 5- نفوذ در حاکمیت

6- تقدس زدایی از رهبری

7- مخالفت با نهادهای وابسته به رهبری  
**defined.**

اقدامات علمی

1- انکار ساختار حکومت دینی

2- غیردمکراتیک خواندن نظام ولایت فقیه

**not defined.**

3- القاء تضاد بین نظام ولایی و آزادی انسان

**not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....4- شبهه محجوریت

**Error! Bookmark not defined.**.....5- دوگانگی نظام ولایی با اصل شوری

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....چالش‌های پیش روی کارگزاران سیاسی

**Error! Bookmark not defined.**.....انحراف خواص

**Error! Bookmark not defined.**.....نزاع‌های سیاسی

**Error! Bookmark not defined.**.....رکن سوم؛ نظام اجتماعی (مردم)

**Error! Bookmark not defined.**.....1- چالش‌های اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....2- تلاش برای انحراف در بینش سیاسی مردم

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....تفرقه و پراکندگی

**Error! Bookmark not defined.**.....ترویج فساد و فحشاء

**Error! Bookmark not defined.**.....گسست فرهنگی نسل‌ها

**Error! Bookmark not defined.**.....القای‌ی‌أس در مردم

**Error! Bookmark not defined.**.....ایجاد توقعات کاذب

**Error! Bookmark not defined.**.....نتیجه‌گیری

**Error! Bookmark not defined.**.....فصل چهارم: سازوکارهای فرهنگی

**Error! Bookmark not defined.**.....مقدمه

**Error! Bookmark not defined.**.....ضرورت‌های جامعه‌پذیری

**Error! Bookmark not defined.**.....سازوکار جامعه‌پذیری

**Error! Bookmark not defined.**.....شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی

**Error! Bookmark not defined.**.....1- اشکال غیرمستقیم در جامعه‌پذیری سیاسی

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....الف) انتقال از طریق روابط متقابل

Error! Bookmark not defined.....[ب\) شاگردی](#)

Error! Bookmark not defined.....[ج\) تعمیم](#)

Error! Bookmark not defined.....[2. اشکال مستقیم در جامعه‌پذیری سیاسی](#)  
**defined.**

Error! Bookmark not defined.....[الف\) تقلید](#)

Error! Bookmark not defined.....[ب\) جامعه‌پذیری پیش‌بینی شده](#)

Error! Bookmark not defined.....[ج\) آموزش سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[د\) تجربیات سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[عوامل جامعه‌پذیری سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[1- عوامل نخستین جامعه‌پذیری سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[خانواده](#)

[Error! Bookmark not defined..... گروه‌های همسالان](#)

Error! Bookmark not defined.....[2- عوامل ثانویه جامعه‌پذیری سیاسی](#)

[Error! Bookmark not defined..... مدرسه](#)

[Error! ..... شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در مراکز آموزشی](#)

### **Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined.....[الف\) مواد درسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[ب\) برگزاری مراسم نمادین](#)

Error! Bookmark not defined.....[رسانه‌های گروهی](#)

Error! Bookmark not defined.....[احزاب سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined.....[دولت‌ها](#)

Error! Bookmark not defined.....[نهادهای مذهبی](#)

Error! Bookmark not defined.....[پیامدهای جامعه‌پذیری سیاسی](#)

Error! .....[1- ساختن فرهنگ و هویت سیاسی و حفظ و نگهداری آن](#)

**Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined..... [2- تغییرات اجتماعی و سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined..... [3- افزایش مشارکت سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined..... [جمع‌بندی](#)

Error! Bookmark not defined. .... [فصل پنجم: سازوکارهای سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined..... [استخدام کارگزاران سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined..... [انتخابات](#)

Error! Bookmark not defined..... [مشارکت سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined..... [میزان مشارکت](#)

Error! Bookmark not defined..... [انتخاب نخبگان سیاستگذار](#)

Error! Bookmark not [سازوکار گزینش رهبر در جمهوری اسلامی ایران](#)

**defined.**

Error! Bookmark not defined..... [شرایط رهبری](#)

Error! Bookmark not defined..... [سازوکار گزینش رئیس جمهور](#)

Error! Bookmark not defined..... [شرایط رئیس جمهور](#)

Error! Bookmark not defined..... [برکناری رئیس جمهور](#)

Error! Bookmark not defined..... [سازمان‌های استخدام سیاسی در ایران](#)

Error! Bookmark not defined..... [الف\) حزب](#)

Error! Bookmark not defined..... [1- حزب در اصطلاح](#)

Error! Bookmark not defined..... [2- حزب در اسلام](#)

Error! Bookmark not defined... [\(1\) تکثرگرایی سیاسی](#)

Error! Bookmark not defined... [\(2\) رقابت و مشارکت](#)

Error! Bookmark not defined..... [\(3\) انتخابات](#)

Error! [\(4\) امر به معروف و نهی از منکر \(نظارت عمومی\)](#) ..

**Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">(5) شورا</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">کارکردهای احزاب</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">1 - انتخاب اصلح</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">2 - تعمیق بینش سیاسی جامعه</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">3 - تشکیل و سازمان‌دهی نیروها</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">4 - مسؤولیت‌پذیری افراد</a>
Error! Bookmark not defined..	<a href="#">ویژگی‌ها و خصوصیات احزاب:</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">ب) سازمان روحانیت</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">کارکردهای سازمان روحانیت</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">استقلال مالی</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">شبکه ارتباطات</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">سازمان روحانیت و تحزب</a>
Error! Bookmark not defined.	<a href="#">سازمان روحانیت و نظام اسلامی</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نتیجه‌گیری</a>
Error! Bookmark not defined. ....	<a href="#">فصل ششم : سازوکارهای نظارت اجتماعی</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نظارت</a>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">نظارت در نظام اجتماعی</a>
Error! Bookmark not defined.	<a href="#">اهمیت کنترل در سیستم‌های اجتماعی</a>
	<b>defined.</b>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">ابزارهای کنترل اجتماعی</a>
Error! Bookmark not defined.	<a href="#">جهت‌گیری نسبت به کنترل‌های اجتماعی</a>
	<b>defined.</b>
Error! Bookmark not defined.....	<a href="#">کنترل‌های نظام سیاسی</a>
Error! Bookmark not defined.	<a href="#">سازوکارهای کنترل در نظام اسلامی</a>
	<b>defined.</b>

**Error! Bookmark not defined.**.....الف) سازوکارهای دولتی:

**Error! Bookmark not defined.**.....1- مجلس شورای اسلامی:

**Error! Bookmark not defined.**.....2- دیوان محاسبات کشور:

**Error! Bookmark not defined.**.....3- دیوان عدالت اداری:

**Error! Bookmark not defined.**.....4- دیوان عالی کشور:

**Error! Bookmark not defined.**.....5- بازرسی ویژه نهاد ریاست جمهوری:

**Error! Bookmark not defined.**.....6- هیات پیگیری و اجرای قانون اساسی:

**Error! Bookmark not defined.**.....7- ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی ایران:

**Error! Bookmark not defined.**.....8- قوه قضاییه:

**Error! Bookmark not defined.**.....ب) سازوکارهی غیردولتی:

**Error! Bookmark not defined.**.....1- رسانه‌های گروهی:

**Error! Bookmark not defined.**.....2- احزاب، گروهها:

**Error! Bookmark not defined.**.....3- اجتماعات و راهپیمائی‌ها  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....4- شوراهای کارگری:

**Error! Bookmark not defined.**.....نظارت متقابل مردم بر یکدیگر:

**Error! Bookmark not defined.**.....سازوکار روحانیت در کنترل سیاسی و اجتماعی  
**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....نتیجه‌گیری

**Error! Bookmark not defined.**.....نتیجه‌گیری

264.....فهرست منابع



265 .....	<a href="#">الف) كتابها:</a>
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	<a href="#">ب) مقالات:</a>
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	<a href="#">ج) مطبوعات</a>

مقدمه پژوهش:

# طرح تفصیلی

## بیان مسئله

مطابق تئوری سیستم فقط نظام‌های سیاسی‌ای که بتوانند برای خود فرهنگ اجتماعی منسجمی تولید نمایند خواهند توانست نسبت به ثبات و بقای خود در آینده امیدوار باشند سایر نظام‌ها هرچند که از توان مادی بهره‌مند باشند اما در گذر زمان دچار چالش‌های سیاسی- فرهنگی شده و راه زوال را می‌پیمایند. طراحی و کاربرد سازوکارهایی برای ایجاد ثبات و مقابله با چالش‌های سیاسی- فرهنگی موضوعی است که دغدغه بسیاری از پژوهشگران، برنامه ریزان و مدیران را به خود جلب کرده است. جمهوری اسلامی ایران نظام سیاسی است که با استناد به کتاب و سنت و به تبعیت از دولت مدینه و حکومت علوی، در جهان معاصر پا به منصفه ظهور گذارده و در سه دهه استقرار آن، با انواع بی‌ثباتی‌ها دست به‌گیران بوده‌است، لذا اولویت اول برنامه‌ریزان نیز حفظ ثبات و امکان بقاء آن می‌باشد.

نظریه ساختارگرایی کارکردی روی‌کردی کاربردی دارد و در جهت ایجاد ثبات در جامعه به ارائه طرح و الگو می‌پردازد از این رو تحقیق پیش رو، به عنوان «ساز و کارهای مقابله با چالش‌های سیاسی- فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر سیره امام علی(ع)» در چارچوب نظریه سیستم به منظور تدوین سازوکارهای مقابله صورت می‌پذیرد.

در رویکرد سیستمی، سازوکارهای: جامعه‌پذیری، استخدام سیاسی، کنترل اجتماعی برای بقای سیستم و مقابله با چالش‌های سیاسی- فرهنگی تعبیه شده است.

تالکوت پارسونز معتقد است ثبات و تداوم نظام سیاسی، تابعی از کارویژه‌های حفظ الگو، انطباق و سازگاری، تحقق اهداف و یکپارچگی سیستم اجتماعی است. کارویژه حفظ الگو از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، مدیریت بحران و مکانیزم حل منازعه صورت می‌گیرد. سیستم اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند، الگوها، هنجارها، و قالب‌های ارزشی، ذهنی و رفتاری نسل‌ها و در نتیجه، رفتار و ساختار سیاسی جامعه را حفظ و تداوم ببخشد و در

صورت عدم موفقیت سیستم اجتماعی در حفظ الگوهای فرهنگی و فرهنگ‌سازی از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، باعث ایجاد تعارض‌های ارزشی، هنجاری و رفتاری و در نتیجه موجب بروز عدم مشروعیت نظام سیاسی خواهد شد که پیامد آن بروز چالش‌های گسترده در حوزه فرهنگ، سیاست و اختلال در ثبات سیستم سیاسی است.

در این تحقیق ضمن صورت‌بندی چالش‌های فرهنگی - سیاسی جامعه دوره امام علی علیه السلام و جمهوری اسلامی ایران، سازوکارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که در شاخص‌های: جامعه‌پذیری سیاسی، استخدام سیاسی و کنترل اجتماعی کاربردی می‌شوند معرفی می‌گردند.

### **اهمیت و فایده موضوع:**

از فواید این پژوهش می‌توان موارد ذیل اشاره کرد:

کمک به فرآیند تصمیم‌سازی برای برنامه‌ریزان و مدیران در حوزه مهندسی فرهنگی. تطبیق نظریه ساختارگرایی کارکردی با ویژگی‌های سیاسی فرهنگی کشور از حیث سازوکارهای بقاء و ثبات.

زندگی در دهکده‌ی جهانی نیازمند توجه به دگرگونی‌ها شیوه‌ها و تنوعات فرهنگی و ساماندهی شیوه‌های مدیریتی فرهنگی با ملاحظه‌ی دگرگونی‌های سریعی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

تبیین فرآیند جامعه‌پذیری، انتخابات، کنترل اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

### **هدف پژوهش:**

هدف مهم و اساسی این تحقیق، بررسی سازوکارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برای شناخت راه‌کارهای حفظ تعادل، تداوم و ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران است، و دیگر اینکه در این پژوهش سازوکارهای نظریه سیستمی به صورت خاص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

### سابقه پژوهش:

پژوهش گران به صورت گسترده به موضوع آسیب‌ها و تهدیدات انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و با شکل‌گیری مباحث مهندسی فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی مباحثی با رویکردهای مختلف نظری تدوین شده است که خصیصه بارز آن، با توجه به تازگی موضوع در مرحله توصیف و تبیین مهندسی فرهنگی بر مبنای نظریه سیستمی است اما آنگونه که به تطبیق کامل نظریه سیستمی با وضعیت سیاسی - فرهنگی کشور و تدوین سازوکارهای آن مشاهده نشده است که امید است در این پژوهش انجام گیرد.

### سؤال اصلی:

سازوکارهای مقابله با چالش‌های سیاسی-فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران با عنایت به سیره امام علی (ع) چیست؟

### فرضیه‌های پژوهش:

کاربرد سازوکارهای جامعه‌پذیری (فرهنگی)، گردش نخبگان (سیاسی)، و نظام کنترل اجتماعی همانگونه که در سیره امام علی علیه السلام متداول بوده، می‌توانند در مواجهه با چالشهای سیاسی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کارآمد باشند.

### سئوالات فرعی:

- سیره امام علی (ع) در مواجهه با چالشهای سیاسی-فرهنگی عصر خود چگونه بود؟
- چالشهای سیاسی-فرهنگی مهم جمهوری اسلامی ایران چیست؟
- سازوکارهای فرهنگی در مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی چیست؟
- سازوکارهای سیاسی مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی چیست؟
- سازوکارهای اجتماعی مقابله با چالشهای سیاسی-فرهنگی چیست؟

### پیش فرضها:

اصل در جامعه ثبات و بقاء می‌باشد و بی‌ثباتی و ناآرامی به عنوان بحران و چالش تلقی

می شود.

جامعه دارای خصوصیت نظم و تعادل است و اجزای آن به یکدیگر وابسته اند. از این رو سیستم باید از حمایت دی‌گر نظام‌های اجتماعی بهره‌مند شده و در عین حال باید از طریق مشارکت اعضاء و عناصرش بقا و حیات یابد.

قول و فعل و سیره معصوم حجت شرعی است.

ثبات نظام سیاسی-اجتماعی در ایران تابعی از فرهنگ مشترک جامعه ایران می باشد.

جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک نظام منافع بخشی از محیط پیرامونی خود (امپریالیسم) به مخاطره انداخته و لذا بازخوردهای تهدیدی (تهاجم فرهنگی) به نظام وارد می شود.

### **اهداف پژوهش:**

تبیین سازکارهای لازم جهت کاربردی کردن و کارآمد نمودن الگوی مقابله با چالش‌های سیاسی-فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران تا خنثی کردن چالش‌ها و تبدیل آن به فرصت برای نظام اسلامی .

### **روش پژوهش:**

توصیفی، تحلیلی است.

### **روش گردآوری:**

روش کتابخانه‌ای است.

### **متغیر مستقل:**

سازوکارهای فرهنگی (جامعه‌پذیری)، سیاسی (گردش نخبگان) و اجتماعی (نظام کنترل اجتماعی)

## متغیر وابسته:

چالش‌های سیاسی-فرهنگی در جمهوری اسلامی.

## سازمان دهی پژوهش:

فصل اول: کلیات و مفاهیم:

فصل دوم: سیره سیاسی امام علی علیه السلام در مواجهه با چالش‌های عصر خود

فصل سوم: چالش‌های سیاسی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

فصل چهارم: سازوکارهای فرهنگی

فصل پنجم: سازوکارهای سیاسی

فصل ششم: سازوکارهای اجتماعی

فصل اول:

# مفاهیم و چارچوب نظری



## مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه سیستم سیاسی از عناصر، ساختارها و کارکردهایی تشکیل شده است. بنابراین، برای شناخت علمی آن در این فصل، به بررسی نظریه سیستم به عنوان رویکرد نظری پژوهش می‌پردازیم. چارچوب نظری پژوهش از دو بخش: «تعریف مفاهیم» «نظریه سیستم» تشکیل شده است.

## گفتار اول: تعریف مفاهیم

با توجه به اینکه اصطلاحات و مفاهیم علوم انسانی در مقام دال، مدلول قطعی و یکسانی در اذهان خوانندگان ندارد ضروریست کلید واژه‌ها و اصطلاحات مذکور را به صورت مختصر تعریف و توضیح داده شود:

### ساخت

از نظر پارسونز «ساخت» عبارت است از آرایش عناصر یک نظام اجتماعی به ترتیبی که می‌توان این آرایش را از نوسانات ناشی از روابط با محیط ایمن دانست.<sup>1</sup> به نظر وی ساخت در خصوص نظام اجتماعی مطرح می‌شود، یعنی نظام اجتماعی دارای دو جنبه است: یکی ایستا و ثابت به نام «ساخت» و دیگری پویا و متحرک به نام «کارکرد». به عبارتی «ساخت» در نظر پارسونز، خصوصیات نظام را تداعی می‌کند که به لحاظ برخی ملاحظات بنیانی می‌تواند وضعیتی ثابت در نظر گرفته شود، درحالی که سایر عناصر معنادار قضیه تغییر می‌کند، مثل قانون اساسی ایالات متحده که یک قرن و نیم ثابت ماند، ولی بقیه عناصر فرمان‌ها و مقررات و سبک زندگی تغییر کرده است.<sup>2</sup>

ساخت تداعی کننده الگو یا مدل و نمایش دهنده مشخصات یک نظام از عناصر متعددی است، به گونه‌ای که هیچ یک از عناصر آن بدون این که دیگر عناصر را تغییردهد نمی‌تواند تغییر کند<sup>3</sup> به عبارت دیگر، در یک «ساخت» شبکه روابط اهمیت بیشتری دارد، شبکه‌ای که هر یک از عناصر ساختی دارای نقش‌های مختلف یا نقش معینی است بنابراین هر ساختی مجموعه‌ای از نقش‌هاست<sup>4</sup> بدین ترتیب ساخت مجموعه‌ای از عناصر است که دارای روابط متقابل و مستحکم با یکدیگر می‌باشد و آن مجموعه دارای وجودی مستقل از اجزای خوداست. از دیدگاه پارسونز، ساختار، مجموعه‌ای همبسته از نقش‌ها، گروه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و نهادهایی

1. غلام عباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت، تهران، ص 149

2. غلام عباس توسلی، همان، ص 186

3. همان ص 142

4. همان ص 149

است که کنش‌های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و تقبیح می‌کند.<sup>5</sup>

## ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی الگوی مهم پدیدآورنده جامعه است. «ساختار اجتماعی» مجموعه‌ای از موقعیت‌ها است که در کنش متقابل پدید می‌آید افراد در رابطه با یکدیگر این موقعیتها را اشغال می‌کنند. دانشجویان در رابطه با معلمان، اعضای طبقه متوسط در رابطه با طبقه بالا و پائین، مردان در رابطه با زنان، بازیکنان خط حمله در رابطه با بقیه تیم و مربی، کارکنان تازه استخدام در رابطه با کارکنان قدیمی و کارفرمایان، و رئیسان در رابطه با معاونان، منشی‌ها. هزاران موقعیت در جامعه وجود دارد هر موقعیتی دارای نقش وابسته به خود است و هر فردی درکنش متقابل می‌آموزد که آن نقش را بازی کند در واقع، «ساختار اجتماعی» به نظم و قاعده موجود در روابط میان کنشگران در کنش متقابل اشاره دارد، یعنی افراد در آن، با توجه به موقعیت یکدیگر رفتار می‌کنند، زیرا در می‌یابند که دیگران از آنان چه انتظاری دارند و در قبال آنها چه باید بکنند. «ساختار اجتماعی» با این ویژگی‌هایش میان کنشگران، وابستگی متقابل ایجاد می‌کند و از طریق این وابستگی متقابل تعهدی در خصوص همه به وجود می‌آورد.<sup>6</sup> خلاصه‌ای‌نکه پارسونز معتقد است که هر نظام اجتماعی دارای یک ذات کارکردی است زی‌را نظامی است از ساختارها و فرآیندهای متقابلاً به هم وابسته به گونه‌ای که می‌تواند به عنوان یک ذات در مقایسه با محیط خود (محیط اجتماعی) یا غیر آن یک ثبات و تمایز الگوی رفتاری را حفاظت کند و به همراه آن، از یک استقلال نسبی از نیروهای محیطی برخوردار باشد.<sup>7</sup>

## ساختار سیاسی

به مجموعه‌ای از فعالیت‌های قابل مشاهده اطلاق می‌شود که «نظام سیاسی» را به وجود می‌آورد، مجموعه مستقلی از نهادهای غیررسمی و رسمی سیاسی که در جامعه متکفل نقشهایی هستند و این نهادها به طور منظم به فعالیت‌های سیاسی دست می‌زنند. آشناترین ساختارهای سیاسی عبارتند از نهادهایی مثل احزاب، انتخابات،

5. چیلکوت، رونالد، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: خدمات فرهنگی رسا 1377 ص 277

6. جونل شارون، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، 1379 ص 86

7. همیلتون، *تالکوت پارسونز*، ترجمه احمد تدی، تهران: هرمس، 1379 ص 27

قوه مقننه، مجریه، دیوانسالاری.<sup>8</sup>

## چالش

منظور این است که مشکلات درونی، تناقضات، برخوردها و ناسازگاریهایی که کار نظام را سنگین تر، دستورات و کارایی اش را کمتر می کند. چالش ها از لحاظ آن که منبع کنش و نو آوری اند، ارزش مثبتی نیز تلقی می شوند.<sup>9</sup>

## کارکرد

کارکرد (Function) عبارت است از نتیجه ثمربخش و مفید عمل و رفتاری است که عضوی در جریان زندگی و انجام دادن وظیفه اش درباره سیستم و به نفع سیستم و به هنگام ایفای «نقش های اجتماعی» انجام می دهد بنابراین همه اجزای نظام درباره کل و اجزای دیگر یک نوع وظیفه برعهده دارند.<sup>10</sup> همچنین پیامدهای هرگونه فعالیت اجتماعی، انطباق و سازگاری یک ساختار معین با اجزای آنرا میسر می کند به عبارت دیگر «کارکرد» فرآیند پویای درون ساختار است.<sup>11</sup>

## فرهنگ

برخی فرهنگ «culture» را سازمان یابی موجودات انسانی در گروه های پایدار می دانند و برخی دیگر فرهنگ را؛ آداب، رسوم، مذاهب، ایدئولوژی، تشریفات مذهبی میراث و زبان و کلیه عاداتها یا دیدگاههای مشترک؛ می نامند.<sup>12</sup>

سیر تکاملی جامعه باعث گردید که مفهوم فرهنگ از پیچیدگی های خاصی برخوردار شود. بطوریکه شاهد ارائه حدود 300 نوع تعریف از سوی اندیشمندان و پژوهشگران هستیم. در یک جمع بندی می توان این تعاریف را در 6 دسته طبقه بندی نمود:

8. غلام عباس توسلی، نظریه های جامعه شناسی ص 192

9. گی روشه، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، ص 115

10. حسینی ابوالحسن تنهای، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، مشهد: نشر مرندی، 1371 ص 26

11. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، ص 501

12. با تامور، تیبی، جامعه شناسی، ترجمه سیدحسن منصور کلجاهی، تهران: امیرکبیر 1370 ص 135

تعاریف تشریحی: که در آنها بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ تکیه شده است، مانند تعریف تایلر (1871) که فرهنگ را کلیت درهم تافته‌ای می‌داند که دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه‌ای توانایی و عادت‌ها که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند را شامل می‌شود.

تعریف هنجاری (normative) در این تعاریف، تکیه بر قاعده (Rule) یا روش‌ها است. مانند تعریف وایسلر (1929) که فرهنگ را شیوه زندگی یک اجتماعی قبیله می‌داند.

تعاریف ساختاری (Structural) در این تعاریف تاکید بر الگوسازی یا سازمان فرهنگ است مانند تعریف ویلی که فرهنگ را سیستمی از الگوهای عادت‌ها مرتبط و وابسته می‌داند.

تعاریف تاریخی: تکیه اصلی در این گونه تعاریف بر میراث اجتماعی است مانند تعریف لیتون از فرهنگ که آن را وارث اجتماعی می‌داند.

تعاریف روانشناختی از فرهنگ (psychological): در این تعاریف بر فرهنگ به عنوان وسیله سازگاری و حل مسائل تاکید می‌شود. به عنوان مثال هارت (1952) فرهنگ را الگوهای رفتاری می‌داند که از راه تقلید یا آموزش کسب می‌شود.

تعاریف تکوینی (Genetics) در این دسته از تعاریف بر فرهنگ به عنوان یک فرآورده اجتماعی بشری تاکید می‌شود. مانند تعریف فالسم که فرهنگ را مجموعه‌ای از مصنوعات یعنی تمامی دستگاه‌ها، ابزارها و عادات زندگی می‌داند که به دست بشر ساخته شده است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.<sup>13</sup>

### ویژگی‌های فرهنگ

با تامل در تعاریف فرهنگ و عناصر تشکیل دهنده آن می‌توان به برخی از مهمترین ویژگی‌های فرهنگ به شرح ذیل اشاره کرد:

قابل انتقال و آموختنی بودن فرهنگ: فرهنگ طی فرآیندی از طریق آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود<sup>14</sup> البته هیچ خصوصیت فرهنگی به طور زیستی با ژنتیکی انتقال نمی‌یابد، بلکه اخذ فرهنگ ناشی از اشکال و مکانیزم‌های یادگیری است. ویژگی‌های فرهنگی میراثی هستند که هر شخصی باید به دست آورد و از آن خود سازد. برای همین محققان زیادی آن را به عنوان «میراث اجتماعی» تعریف کرده‌اند.<sup>15</sup>

13. بابک نگاهداری، *درآمدی بر برنامه ریزی راهبردی توسعه فرهنگی*، انتشارات امیدمجد تهران پائیز 1386 ص 43

14. منصور قنادان و همکاران، *جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی)* چاپ اول، تهران: آوای نور 1375 ص 82

15. گی روشه، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، دانشگاه فردوسی، مشهد 1367 ص 125

متغییر بودن فرهنگ: فرهنگ در معرض تغییر دگرگونی است اما تغییرات فرهنگی، آن قدر کند و تدریجی اند که در زمانی کوتاه محسوس نیستند بعضی‌ها، تغییرات فرهنگی را طی چهل تا پنجاه سال می‌دانند.<sup>16</sup> از آنجا که الگوهای فرهنگی یک جامعه از شیوه‌های رفتاری، نهادها و سایر عناصر به هم پیوسته و منسجم تشکیل شده است، تغییر در بخشی از آن سبب ایجاد تغییرات، تنشها و فشارهایی در سایر قسمت‌های آن خواهد شد.<sup>17</sup>

پیوند عناصر فرهنگی با یکدیگر: به جهت پیوند بین عناصر فرهنگی، تغییر در یکی عنصر موجب تغییر در عناصر دیگر می‌شود.<sup>18</sup>

نظام فرهنگ: فرهنگ مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را سیستم یا نظام دانست.<sup>19</sup>

فرهنگ، خاص انسان و جومع انسانی است

فرهنگ آشکار و فرهنگ نهان: فرهنگ آشکار به رفتارها، باروها و نهادهایی گفته می‌شود که رسمیت دارد و همه یا اکثر مردم به رعایت آنها تظاهر می‌کنند و شکستن حرمت آنها را نوعی خلاف و انحراف می‌دانند، ولی فرهنگ نهان به رفتارها، باروها و نهادهایی گفته می‌شود که رسمیت نداشته و مردم به طور خصوصی به آنها پای بندی نشان می‌دهند و از تظاهر به رعایت آن می‌پرهیزند.<sup>20</sup>

به نظر پارسونز، فرهنگ دارای سه وجه اشتراک می‌باشد، اول آن که فرهنگ انتقال یافتنی است و نوعی میراث یا سنت اجتماعی را تشکیل می‌دهد دوم آنکه فرهنگ فرا گرفتنی و اکتسابی است و در ذات انسان نیست. سوم آنکه فرهنگ امری اشتراکی و محصول تعامل انسان‌هاست.<sup>21</sup>

16. منصور وثوقی و همکاران، *مبانی جامعه‌شناسی*، چاپ اول: موسسه انتشارات بهی‌نه، تهران 1378 ص 160

17. منوچهر محسنی، *مقدمات جامعه‌شناسی*، چاپ چهارم، نشر دوران، تهران 1378 ص 95

18. منصور قنادان و همکاران، *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)* ص 73

19. گی‌روشه، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی، ص 127

20. منصور قنادان و همکاران، *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)* ص 87

21. چیلکوت رونالد، همان، ص 340

## کارکردهای فرهنگ

نخستین کارکرد فرهنگ، ارائه هنجارها و ارزش‌هایی است که انسجام و یگانگی درونی نظام روانی را تأمین می‌کند. بر مبنای همین هنجارها و ارزش‌هاست که شخصیت به تعبیر پارسونز، مشروعیت می‌یابد، یعنی به مبنای هنجاری مجهز می‌شود که می‌تواند هدف‌ها را تعیین کرده و رفتارها را در راستای دستیابی به آنها هدایت کند.<sup>22</sup>

کارکرد دیگر فرهنگ، جمع‌آوری تعدادی اشخاص در یک جماعت مشخص است، اشتراک فرهنگ، وحدت گروه را تضمین می‌کند و به تک‌تک افراد اجازه می‌دهد تا با هدف‌های آن همانندسازی کنند.<sup>23</sup> ارزش‌ها از طریق هنجارها در قالب مقررات و قوانین در می‌آیند و مقررات رفتاری را در هر موقعیتی تعیین می‌کنند، مثل سلام کردن. در واقع ارزش‌های اجتماعی به تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی در می‌آیند که با رعایت آنها، جامعه انتظام می‌یابد و تعادل آن حفظ خواهد شد.

## فرهنگ سیاسی

برای تعریف فرهنگ سیاسی تعاریف متعدد و بعضاً مشابه از سوی اندیشمندان ارایه شده است. آلموند فرهنگ سیاسی را: الگوی ایستارها و سمتگیری ملی فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام تعریف می‌کند. به عقیده بال؛ فرهنگ سیاسی ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس و ارزشهای جامعه مرتبط با نظام سیاسی و مسائل سیاسی است. سیدنی و و ربا بر این نظرند که:

«فرهنگ سیاسی از نظام اعتقادی تجربی و نمادهای معنی‌دار و ارزشهایی که معرف

کیفیت انجام اقدام سیاسی‌اند تشکیل می‌یابد. تالکوت پارسونز معتقد است: «فرهنگ

سیاسی با سمتگیری نسبت به هدفهای سیاسی ارتباط دارد»<sup>24</sup>

در واقع می‌توان «فرهنگ سیاسی» را متشکل از باورها، نمادها ارزش‌هایی دانست که شرایط کنش سیاسی را مشخص می‌کنند و جهت‌گیری‌های روانی و ذهنی مردم را در خصوص سیستم ملی خودشان نشان می‌دهند

<sup>22</sup>. گی‌روشه، همان ص 163

<sup>23</sup>. رفیع پور، فلامرز، *آنانومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*، چاپ اول، شهرکت سهامی انتشار، تهران 1378، ص 293

<sup>24</sup>. عبدالرحمن عالم، *بی‌نادهای علم سیاسی*، تهران، نشر نی، 1375 ص 113

<sup>25</sup> و فرهنگ سیاسی یک ملت، بر رفتار شهروندان و رهبران آن در سراسر نظام سیاسی تاثیر می گذارد، همان گونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان موثر است.<sup>26</sup>

پس فرهنگ سیاسی به جهت ارتباط تنگاتنگ با نظام سیاسی، موجودیت مستقلی از نظام سیاسی ندارد، بلکه وابسته به آن است. همان طور که افراد در نقش های غیرسیاسی و نظام های اجتماعی جامعه پذیر می شوند فرهنگ سیاسی نیز قابل انتقال و دارای جنبه اکتسابی است. در حقیقت رابطه معنا داری بین فرهنگ، فرهنگ سیاسی، ارزشها، جامعه پذیری و حفظ و تداوم نظام های اجتماعی و سیاسی وجود دارد.

در یک جمع بندی می توان نتیجه گرفت « فرهنگ سیاسی » چارچوبی برای کنش سیاسی شهروندان و رهبران در هر نظام سیاسی است. به دلیل این که هر فرهنگ سیاسی ویژگی های خاصی دارد بنابراین، از تعمیم یک فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی دیگر باید خودداری نمود.

هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش ها، احساسات، اطلاعات و مهارت های سیاسی است همانگونه که ایستارهای افراد بر اعمال آنان تاثیر می گذارد فرهنگ سیاسی ملت بر رفتار شهروندان در سراسر نظام سیاسی تاثیر می گذارد<sup>27</sup> و به اقدام سیاسی افراد در برابر نظام سیاسی جهت می دهد.

## انواع فرهنگ سیاسی

آلموند شش نوع ایده آل فرهنگ سیاسی را مشخص می کند و برای ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه چهارضابطه را یاد آور شده است.

اولاً: هر شهروندی چه دانشی درباره ملت، نظام سیاسی سابقه تاریخی کشورش اندازه موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی آن دارد احساسهایش نسبت به نظام سیاسی اش چیست؟ چگونه عقایدی، و چه قضاوتی درباره اینها دارد؟

ثانیاً: از ساختها، نقشهای نخبگان سیاسی مختلف و خط مشی های سیاسی و پیشنهادهایی که در جریان به سوی بالایی خط مشی سازی وجود دارد چه دانشی دارد؟ احساسها و عقایدش درباره این ساختها و رهبران و

<sup>25</sup>. رونالد چیلکوت، نظریه های سیاست مقایسه ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، ص 36

<sup>26</sup>. آلموند گابریل و هماران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب تهران مرکز آموزش مدیری ت دولتی،

1376 ص 71

<sup>27</sup> آلموند و دی گران، همان، ص 77



خط مشی‌های سیاسی پیشنهادی چیست؟

ثالثاً: درباره جریان رو به پائین اجرای خط مشی‌ها، ساختها، افراد، تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارند؟ احساس و عقایدش درباره آنها چیست؟

رابعاً: چگونه خود را به عنوان عضوی در نظام سیاسی تصور می‌کند درباره حقوق، قدرتها، تعهدات و استراتژیها چه دانشی دارد.

آنگاه آلموند فرهنگ سیاسی را به شش قسم تقسیم می‌کند؛ محدود یا دون مایه، تبعی، مشارکتی یا عقلانی و سه قسم دیگر ترکیبی از سه قسم قبلی است محدود - تبعی، مشارکتی، محدود - مشارکتی. آلموند در پایان بیان می‌دارد: سه قسم اول ایده آلی است و در واقع تمامی اقسام بالا در جامعه یافت می‌شود اما قسمی که غلبه دارد رافرننگ سیاسی غالب آن جامعه می‌خوانیم.<sup>28</sup>

فرهنگ سیاسی محدود؛ بیشتر تقاضای فرد در سیستم سیاسی منظور است و با همین دید محدود نسبت به سیستم سیاسی، مشارکت سیاسی وی محدود می‌باشد و فقط برای منافع شخصی خود و در محدوده محله خود اقدام می‌کند. در فرهنگ سیاسی تبعی؛ شخص به نهاده و بخش حمایتی سیستم می‌اندیشد و به داده و نحوه تصمیم‌گیری و بازتاب آن در ذهن تصویری ندارد. در فرهنگ سیاسی مشارکتی یا عقلانی؛ تصورات از تمامی سیستم سیاسی یعنی در حمایت‌ها و تقاضاها و تصمیم‌گیری داده سیستم سیاسی وجود دارد. فرد تصورش و مشارکتش در سیاست جهت منافع ملی دارد تا شخصی.

علاوه بر دسته بندی آلموند از فرهنگ سیاسی، پاول نیز فرهنگ سیاسی را به دو قسم وفاق‌گرا<sup>29</sup> و منازعه‌گرا<sup>30</sup> دسته‌بندی می‌کند. در یک فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا شهروندان معمولاً درباره شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری سیاسی و اینکه مسائل اصلی جامعه چیست؟ چگونه باید آنها را حل کرد، هم نظرند در فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا شهروندان از لحاظ نظراتی که درباره مشروعیت رژیم و راه حل مشکلات اصلی دارند به شدت دچار چند دستگی هستند»<sup>31</sup>

<sup>28</sup> مونتینی، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه عباس شجاعی، تهران: دفتر مطالعات و وزارت خارجه، 1367 ص 102

29 Consensual

30 Conflictual

<sup>31</sup>. آلموند و دی‌گران، همان، ص 77

## خرده فرهنگ سیاسی

وقتی کشوری از لحاظ ایستارها و ارزش‌های سیاسی دچار شکاف‌های عمیقی باشد گروه‌های مجزا را خرده فرهنگ‌های سیاسی<sup>32</sup> می‌خوانیم. شهروندان متعلق به این خرده فرهنگها دست کم در برخی موضوعات حاد سیاسی مانند مرزهای کشور، سرشت رژیم یا ایدئولوژی درست، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی دارند. آنها نوعاً با احزاب سیاسی و گروه‌های نفوذ مختلفی نزدیک‌تری دارند و در معرض الگوهای کاملاً متفاوتی از جامعه پذیرفته قرار دارند.<sup>33</sup>

در بعضی کشورها خرده فرهنگ‌های سیاسی با تفاوت‌های قومی، ملی یا مذهبی بر هم منطبق می‌شوند. شکاف‌هایی می‌تواند بسیار پایدار و تهدید کننده باشد. کشورهایی که به مدد نیروی خارجی و یا قدرت مرکزی قومی، اقوام مختلف گرد هم آمده باشند هرگاه دولت مرکزی دچار ضعف شود، شکاف‌های قومی عود می‌کند و عامل بی‌ثباتی می‌گردد.

کارکرد فرهنگ سیاسی از دو جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه مشروعیت دهنده به نظام سیاسی و فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و کارگزاران ممکن است باشد یعنی اینکه هرگاه شهروندان باور داشته باشند که باید از قوانین اطاعت کنند در این صورت مشروعیت حکومت چشمگیر است اما اگر آنان هیچ دلیلی برای اطاعت نیابند و یا تنها از روی ترس اطاعت کنند مشروعیت حکومت پایین است. لذا از سوی دیگر باورهای سیاسی ممکن است عامل غیر مشروع جلوه دهنده نظام سیاسی و سایر زیر مجموعه‌هایش باشد.

دوم اینکه انگیزه مشارکت به شهروندان می‌دهد که بر اساس فهم خود اقدام به تأثیر گذاری بر ساختار سیاسی کنند در فرهنگ‌های سیاسی وفاق‌گرا و مشارکتی ثبات در نظام سیاسی بیشتر مشهود است و در جامعه‌ای که فرهنگ‌های منازعه‌گرا غالب است. جامعه دارای بی‌ثباتی و تشنج می‌باشد.

فرهنگ سیاسی دو گونه با نظام سیاسی ارتباط دارد ابتدا از جهت سببیت، از این روی که علت و شکل دهند نظام سیاسی و شکل اقتدار می‌باشد. باورهای سیاسی نوع خاصی از نظام سیاسی را بوجود می‌آورند. باورهای سنتی نظام سنتی و غالباً پادشاهی ایجاد می‌کند. باورهای عقلانی نظام‌های دموکراتیک و قانونی را شکل می‌دهد. باورهایی که انتصاب‌گرا، خویش‌نژادگرا، عاطفی، پراکنندگی و عدم اجتماع واحد و خاص‌گرا هستند شکل خاصی از نظام را پدید می‌آورند که دولت - قبیله و پدرسالاری از ثمرات آنهاست. و اگر باورهایی مبنی

32 subculture political

33. آلموند، آلموند و دی‌گران، ص 79

بر قانون‌گرایی، جمع‌گرایی، اکتساب‌گرایی و جهان‌گرایی باشد شکل خاصی منطبق با این ویژگیها پدید می‌آید. اهمیت دیگر فرهنگ سیاسی و ارتباط آن با نظام سیاسی گاهی به عنوان باورهای اشخاص به ساخت سیاسی موجود است. یعنی ساختی از قبل بوده و باورهای سیاسی نوع کنش و واکنش خود را نسبت به آن می‌سنجد که چه نوع رفتاری با نظام سیاسی نمایند و این بسته به درجات فهم شهروندان و نوع فرهنگ سیاسی آنها است که باهم متفاوت خواهد بود.<sup>34</sup>

**جامعه‌پذیری:** به فرآیند کسب مهارت‌ها، آگاهی‌ها و شیوه‌های زندگی اطلاق می‌گردد. فرهنگ‌پذیری بخشی از جامعه‌پذیری است و در ارتباط با مفاهیم اشاعه فرهنگی و انتقال فرهنگی می‌باشد. جامعه‌پذیری با تکیه بر شیوه‌های تربیتی نوین مانند بصیرت بخشی، معرفت‌دهی و ارزیابی صورت می‌گیرد.<sup>35</sup> در این پژوهش واژه جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی یکسان انگاشته می‌شود.

**سازوکارهای سیاسی:** مجموعه راه‌کارها و تدبیرهای است که با استفاده از آن تمهیداتی در نظام سیاسی ایجاد می‌گردد که نظام را در نیل به اهداف خود کمک می‌کند. در این پژوهش تکیه اصلی در سازوکار استخدام سیاسی است می‌باشد که تعبیر دی‌گر آن در ادبیات سیاسی گردش‌نخبگان می‌باشد.

**سازوکارهای اجتماعی:** برای تداوم پروسه ثبات در سیستم، سازوکار کنترل اجتماعی طراحی گردیده است این سازوکار در نظامهای مختلف با رویکردهای متعددی اجرا می‌گردد با عنایت به فرهنگ سیاسی-مذهبی جامعه ایران می‌توان سازوکار کنترل را با رویکردهای مانند تعبیه نهادهای نظارت و بازرسی در سطح نهادی و رویکرد امر به معروف و نهی از منکر در سطح اجتماعی به مرحله اجرا گذارد، ایجاد شبکه روابط اجتماعی سیاسی مانند شکل‌گیری احزاب قدرتمند و نهادهای دیگر با هدف پیشگیری از تقلیل کارآمدی نظام‌پیشگیری کنترل سازمانندی را اجرا کرد.

<sup>34</sup>. موریس دورژه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران، 1372. ص 179

<sup>35</sup>. رفیع پور، *آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران: انتشار، 1377 صفحه 350

## گفتار دوم: نظریه سیستم

### تعریف سیستم:

بیش از صدها تعریف از سیستم ارائه شده است که اغلب آنها دارای عوامل مشترکی هستند که به طور خلاصه می توان به تعاریف زیر اشاره کرد:

طبق تعریفی که اوپتر از سیستم ارائه داده است. هر سیستم دارای 3 خصوصیت می باشد:

الف: وجود یک سری از عوامل ب: وجود رابطه ای بین این عوامل ج: وجود حرکتی هماهنگ تحت تاثیر نوعی کنترل، بنابراین سیستم عبارتست از: فرایند حرکت یک سری از عوامل که هر کدام از این عوامل برای تحقق هدف خاصی فعالیت می نمایند<sup>36</sup>.

فرهنگ آکسفورد نیز در خصوص سیستم تعریفی به شرح ذیل ارائه داده است:

«سیستم عبارتست از گروهی از اجزا یا قسمت هایی که با یکدیگر کار می کنند و

وابستگی منظم دارند<sup>37</sup>».

با توجه به تعاریف زیادی که در زمینه سیستم ارائه شده است می توان گفت: «سیستم عبارتست از منظومه ای از عناصر و اجزای مرتبط و در حال کنش و واکنش متقابل که یک کل واحد را به وجود می آورند»<sup>38</sup> هر سیستمی دارای حد و مرز است و از آن طریق با محیط خود مواد یا انرژی و یا اطلاعات مبادله می نماید. حد و مرز سیستم را از محیط خودش مشخص و جدا می کند. تعامل اجزای سیستم با محیط بیانگر آنست که سیستم متوجه هدف و مقصودی است.

عناصر سیستم ممکن است مفهوم باشد در این صورت یک سیستم مفهومی به وجود می آید، مثل زبان فارسی که یک سیستم مفهومی است. اجزای سیستم ممکن است افراد انسان باشند مثل خانواده و یا یک تیم فوتبال. بطور کلی اجزای سیستم را می توان به عنوان کوچکترین واحد هائی که تعامل آنها برای تحقق هدف

---

<sup>36</sup>. پسران قادر، مدی ریت و سازمان (از دی و انسالاری تا ویژه سالاری) ترجمه و تالیف مجید پسران قادر تهران: نشر رودکی

1371، ص 36

<sup>37</sup>. همان، ص 45

<sup>38</sup>. علاقه بند، علی، نظریه سازمانها در مدی ریت تهران: نشر روان، 1375، ص 184

سیستم ضرورت و اهمیت دارند.

### متغیرهای سیستم

جامعه معمولاً بزرگترین واحدی تلقی می‌شود که سیستم‌ها را می‌توان در درون آن ارزشیابی کرد. بر این اساس سیستم‌ها تصاویری انتزاعی از جامعه واقعی هستند. هر پدیده اجتماعی را می‌توان یک یا چند سیستم تلقی کرد. در واقع تمام پدیده‌های اجتماعی با هم رابطه متقابل دارند، گو اینکه برای تفکیک نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی-روانی و غیره از یکدیگر می‌توان مرزهایی قائل شد. بدین ترتیب محقق عناصری را که از انسجام و همبستگی بیشتری برخوردارند، از کل جامعه جدا ساخته و آنها را یک سیستم در نظر می‌گیرد. معمولاً این عناصر از نظر مفهومی قابل اندازه‌گیری هستند و به همین دلیل متغیر خوانده می‌شوند. عناصر ثابتی که از تحولات اجتماعی مصون هستند، عوامل ثابت خوانده می‌شوند.<sup>39</sup>

یک نظام یا سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و یا فرهنگی-روانی شامل: کلیه متغیرهایی است که به ترتیب به زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی-روانی مربوط می‌شوند. متغیرهای هر سیستم می‌توانند ساختارها، کارکردها، بازیگران، ارزش‌ها، هنجارها، اهداف دروندادها، برون‌دادها، پاسخ‌ها و بازخوران باشند.<sup>40</sup>

### 1- وابستگی اجزای سیستم:

منظور از به هم پیوستگی و وابستگی اجزاء، وی‌ژگی‌ها، رخدادهای، و مانند آن می‌باشد هر نظریه‌ی سیستمی باید عناصر درون سیستم، کیفیت به هم پیوستگی آن عناصر و نحوه‌ی وابستگی اجزای تشکیل دهنده‌ی سیستم به یکدیگر را شناسایی و تبیین کند. عناصر ناپیوسته و مستقل، هرگز نمی‌توانند یک سیستم را تشکیل دهند.

### 2- تصور ارگانیک:

به این معنا که در یک سیستم اجزا در تعامل با یکدیگر دیده می‌شوند و اگر در یک زیرسیستم مشکلی به وجود آید، بر روی کل سیستم اثر گذار است و همچنین سیستم‌ها به صورت یک ارگانیک زنده مدنظر قرار

<sup>39</sup>. چیلکوت، همان، ص 227

<sup>40</sup>. چیلکوت ص 228

می گیرند.

### 3- کل نگری:

سیستم به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته می شود هر پدیده ای در درون یک کلیت قرار دارد؛ وقتی که پدیده ها به یکدیگر پیوندند، یک کلیتی فرای اجزای تشکیل دهنده ی آن به وجود می آورند.<sup>41</sup> با توجه به این اصل، عناصر اجتماعی در یک کلیت بررسی می شوند، نه به صورت جداگانه. این کلیت ضمن ارتباط عناصر آنها با یکدیگر، یک وجود کلی را به وجود می آورند که مستقل از اجزای خود است و همه اجزای آن باید در خدمت به کلیت باشند؛ یعنی فلسفه وجودی اجزا، خدمت به کلیت است. پس این مجموعه دارای حیات خاصی است.<sup>42</sup>

### 4 - تعامل

مفهوم تعامل به ارتباط متقابل و کنش و واکنش عناصر یک سیستم اشاره می کند. در سیستم های باز امکان تبادل ماده و انرژی با محیط خارج وجود دارد، و می تواند برای حفظ موجودیت خود، این انرژی را از محیط اطرافش تامین نماید. یک سیستم باز به وسیله تعامل با محیط خارج قادر است از افزایش آنتروپی خود جلوگیری نماید و از سوق دادن به سوی بی نظمی عمومی خود جلوگیری کرده حتی بر درجه نظام خود بیفزاید.<sup>43</sup> واژه محیط دارای 2 معنای متفاوت است: اول اینکه واژه محیط به چارچوب و محوطه ای اطلاق می شود که سیستم در آن عمل می کند که در این صورت محیط را منفعل می نامند. دیگر اینکه سیستم نسبت به محیط فعال است و سیستم در برابر آن حساس می باشد. در این صورت بین محیط و سیستم تعامل های فراوان وجود دارد. تعامل موجود بین محیط و سیستم های باز با «درون داد» و «برونداد» مشخص می شود. دروندادها و بروندادها سه نوعند: ماده، انرژی و اطلاعات<sup>44</sup> پارسونز در این صورت بندی جدید روی تعامل یا کنش متقابل تکیه می کند، ولی نه تعامل یک کنشگر یا بازیگر منفرد، بلکه بر روی تعامل شخصیت ها،

41. چیلکوت، همان، ص 235

42. ابوالحسن تنهایی، در آمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، ص 18

43. ذاکری، بتول، روش های ساخت یافته تجزی، و تحلیلی طراحی سیستم های اطلاعاتی، تالیف و ترجمه بتول ذاکری، تهران سازمان مدیریت صنعتی 1375، ص 37

44. دانیل دوران، نظریه سیستمها، ترجمه ی منی دوزی سرخابی، محمد تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی 1370، ص 42

سیستم‌های اجتماعی، و فرهنگ‌ها تاکید دارد.<sup>45</sup>

## 5- تعادل:

جستجوی ثبات، تعادل و بقا از جمله اساسی ترین اهداف نظریه سیستمها هستند هر سیستم سیاسی هرچقدر که انقلابی باشد بعد از مرحله‌ای تمایل به ادامه حیات و بقا دارد. اصولاً اساس بقای نظام، تعادل است و آن غایتی است که نظام به سمت آن در حرکت می‌باشد؛ در واقع، تعادل عامل و ضرورت تکامل است و تحول و دگرگونی در این کلیت، پدیده‌ای تدریجی و آنی است؛ یعنی دگرگونی به سرعت از بین می‌رود و نظام دوباره به تعادل می‌رسد.<sup>46</sup> کشمکش حالتی بالقوه دارد که ممکن است به صورت بالفعل ظاهر شود و یا نشود. زندگی سیاسی ممکن است دچار عدم تعادل باشد عدم تعادل نه تنها به دگرگونی یا کشمکش بلکه به تمایل متقابل به ایجاد تعادل نیز دلالت می‌کند. پارسونز از مفهوم «تعادل» به عنوان عاملی بهره می‌برد که انسجام اجزاء مختلف درون سیستم را تضمین می‌کند. در اینجا او تعادل را به عنوان پیش‌فرض و نقطه عزیمت به کار گرفته و معتقد است که کنشگر (اعم از افراد انسانی و نهادهای اجتماعی) از طریق اعمالش همواره میل به برهم زدن تعادل در درون سیستم دارد. این کنش، واکنشی تقریباً هم‌ارز را می‌آفریند و تعادل سیستم را بر هم می‌زند، در واقع تعادل مفهومی نظری است که سیستم هیچگاه به آن نمی‌رسد، تعادل

*«وضعیتی است که هرگز تحقق نمی‌یابد، وضعیت مطلوبی که یک انتزاع محض است به عبارت دیگر، ذهن وضعیت مطلوبی را مجسم و وضعیت موجود را با آن مقایسه کرده، و تفاوت‌های آنها را تبیین می‌کنند.»<sup>47</sup>*

اما در مقابل عدم تعادل میان کنشگر و وضعیتی که در آن قرار گرفته (شامل محیط فیزیکی، کنشگران دیگر و فرهنگ عمومی) همیشگی و عینی است. از منظر کارکردگرایی تعادل یک نظام زمانی ایجاد می‌شود که بین فعالیت و کارکرد نظامهای تابعه اجتماعی هماهنگی و همسویی وجود داشته باشد. در صورتی که این هماهنگی وجود داشته باشد نظام کارآمد و کارکردی است. در صورت بروز ناهماهنگی و یا قصور یکی از

<sup>45</sup>. چیلکوت، همان، ص 274

<sup>46</sup>. ابوالحسن تنهای، همان، ص 26

<sup>47</sup>. چیلکوت، همان، ص 235

مولفه‌ها در انجام کارکرد، نظام ممکن است دچارناکارکردی موقتی و یا دائمی شود<sup>48</sup>.

## 6- انسجام و یکپارچگی

انسجام به این معناست که یکپارچگی نظام‌ها، درهم تنیده و سازمان بندی شده است؛ به گونه‌ای که نمی‌شود آنها را از یکدیگر جدا نمود. ویژگی انسجام و درهم تنیدگی موجب نظم، توازن، آسودگی و در نتیجه موجب بقای سیستم می‌شود. تحقق این امر در سازمانها، متضمن هدفگذاری و تعین فعالیت‌های است که به کسب هدف منجر می‌شوند؛ بدین ترتیب، فراگرد برنامه‌ریزی و کنترل شکل می‌گیرد.

عناصر اجتماعی یک مجموعه، بسیط می‌باشند، نه منفک از یکدیگر. با توجه به این اصل، نظام سیاسی به صورت بسیط یکپارچه بوده و بین اجزای آن، وحدت حاکم است و این وحدت با همگونگی از طریق نهادینه کردن فرهنگ و ارزشهای مشترک به دست می‌آید؛ در واقع، عامل وحدت، باورها و ارزشهای مشترک می‌باشد.

## 7- کارکرد و هدف

کارکرد، تمایز کیفی بین نظامها ایجاد می‌کند. کارکرد نشان دهنده تمایل نظریه‌پردازان بر حفظ بی‌طرفی ارزشی است. همین بی‌طرفی ارزشی نشان‌دهند هم‌سطح کردن همه نظامها در حوزه‌های مختلف علوم انسانی با حوزه علوم طبیعی است. کسانی که به نیت انسانی اهمیت می‌دهند، به جای کارکرد، مفهوم هدف را قرار می‌دهند، و این هدف از سوی متعاملین در نظام به طور آگاهانه تعیین و تعقیب می‌شود.<sup>49</sup> نظریه سیستم‌ها حاوی این مفروضه است که هر نظام معطوف به یک غایت و هدف است. وجه تمایز این نگرش از نظام با نگرشهای غیرپوزیتیویستی در این است که مفهوم غایت و هدف برای پوزیتیویستها به کارکرد تبدیل می‌شود و در نگرشهای فرهنگی و غیرپوزیتیویستی غایت به هدف آگاهانه تبدیل می‌شود.<sup>50</sup>

## 8- سلسله مراتب

هر سیستم، معمولاً کل پی‌چیده‌ای است که از خرده سیستمهای کوچکتری تشکیل می‌شود؛ ضمن آنکه خودش خرده سیستمی برای سیستمهای بزرگتر به شمار می‌آید. به این ترتیب سلسله مراتبی از

<sup>48</sup>. سیف‌زاده، همان، 268

<sup>49</sup>. سید حسینی سیف‌زاده، همان، ص 224-226

<sup>50</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 224-226



سیستمها قابل تصور است.

### 9- الگوی درون داد - تبدیل - برون داد:

سیستم باز را می توان به عنوان یک الگوی تبدیلی نیز تلقی کرد، که درون دادهای گوناگون را دریافت می دارد، آنها را به گونه ای تبدیل می کند و سپس برون دادهایی را صادر می نماید.<sup>51</sup> الگوی فعالیت های سیستم باز چرخشی است. به این معنی که برون دادهای سیستم به محیط است که زمینه ادامه ی فعالیت سیستم را امکان پذیر می سازد.<sup>52</sup> تحلیل درونداد - برون داد معمولاً ماهیتی ایستا داشته و به همین دلیل به دوره های زمانی کوتاه محدود می شود. در علم سیاست تحلیل درونداد - برون داد کلاً به کاربردهای کیفی و نه کمی محدود شده است.<sup>53</sup> یک سیستم از یک رابطه ساختی میان درون داد، میان داد، و برون داد برخوردار است که به منظور تحقق هدفها یک حلقه بازخورد به عنوان کنترل کننده نیز به آن اضافه می شود.<sup>54</sup>

### 10- باز خورد و کنترل:

مفهوم سیستم با اضافه نمودن دو مفهوم دیگر یعنی « باز خورد » و « کنترل » کامل می شود. چنین سیستمی را غالباً « سیستم سایبرنتیکی می نامند. بازخورد، اطلاعاتی در مورد عملکرد واقعی و برون دادهای سیستم فراهم می آورد و کنترل، فرایند مقایسه عملکرد واقعی سیستم با عملکرد از پیش تعیین شده با معیارهاست. کنترل مستلزم تعیین استانداردهایی برای سنجش عملکرد واقعی است. چنانچه اطلاعات نشان می دهند که نتایج عملکرد مطابق با استانداردهاست در این صورت بازخورد مثبت نامیده می شود و بر عکس چنانچه اطلاعات بازخورد بیانگر تفاوتها و انحرافات نسبت به استانداردها باشد در این صورت بازخورد منفی است.<sup>55</sup>

51. دوران، دانیل، همان، ص 59

52. علاقه بند، همان، ص 124

53. چیلکوت، همان، ص 231

54. پسران قادر، مجیدی، ص 38

55. پسران قادر، مجیدی، همان، ص 38

## 11- آنتروپی:

سیستم‌ها صرف نظر از اینکه سیستمی زنده، ماشینی یا مفهومی باشند در معرض فرسودگی، ناسازگاری و زوال قرار دارند. به این ترتیب، برای سیستم‌های باز، مفهوم حداکثر بی‌نظمی یعنی مرگ. حداکثر آنتروپی در یک سازمان رسمی، یعنی نداشتن اطلاعات کامل برای اداره سیستم یا حداکثر وضعیت بی‌سامانی است.<sup>56</sup> برای اینکه یک سیستم به حیات خود ادامه دهد، باید بتواند با چنین وضعیتی مقابله کرده، آنتروپی را مهار کند.

## 12- مفهوم واقعیت غایی:

واقعیت غایی در نظام کنش بالاترین سطح اطلاعات و نظارت را داراست، سیستم از طریق این غایت بنیادین که در تمامی آن انتشار یافته است، معنی می‌یابد و بقا آن معنادار می‌شود. «تکامل اجتماعی-فرهنگی چیزی بیش از فرایند کارآیی فراینده در روابط اجتماعی است- این امر فرایندی تکاملی یعنی گذر از «هستی حیوانی» به بالاترین مرتبه‌ی هستی انسان است.»<sup>57</sup> بنابر اقتضای علت غایی است که نظام تابعه بازخوردی نسبت به کارکرد انطباقی عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهد.<sup>58</sup>

## مفروضات ساختارگرایی کارکردی

از نظر ساختارگرایان کارکردی؛ انسان پیش از هر چیز یک ارگانیسم زیستی است که همچون هر نوع ارگانیسمی بزرگترین هدفش «بقاء» است. در نظر گرفتن انسان به مثابه ارگانیسم و میل به بقاء دو نتیجه را در پی دارد: 1- انسان موجودی است که قبل از همه تمایل به برآوردن نیازهای اولیه و فوری‌اش دارد. 2- ارگانیسم زیستی در مقابل آسیب‌های محیطی و اجتماعی ابزارهای دفاعی را پیش‌بینی کرده است.

ابتنای روشی این نظریه بر روش ارگانیستی موجب می‌شود تا نظریه‌پردازان به جای توجه به ساختارهای متکثر و جزء جامعه، به کلیت نظام توجه کنند: در دیدگاه کارکردگرایی، جوامع از اجزای مولفی تشکیل شده‌است آگوست کنت معتقد بود که تمام نهادها، معتقدات و اخلاقیات جوامع به هم مرتبط هستند. به مقتضای این

<sup>56</sup>. پسران قادر، همان، ص 38

<sup>57</sup>. آکس، همان ص 430

<sup>58</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 265

ارتباط بینابینی است که کارکردگرایان در روش توضیح خود، به هر عنصر در پرتو توجه به قوانین کلی مورد نظام توجه می‌کنند<sup>59</sup>. روابط بینابینی این اجزا با هم موجب ارتقای سطح نگهداری نظام می‌شود.

حال این پرسش مطرح می‌شود که روش کارکردگرایانه به دنبال کشف چه چیزی می‌گردد؟ پاسخ نسبتاً روشن است. یک کارکردگرا به دنبال نیازهای است که منجر به دوام یک پدیده شده‌اند. کارکردگرایی مبتنی بر این مفروضه است که جوامع یا نظامهای اجتماعی دارای «نیازها»یی هستند و به مقتضای این نیازهاست که می‌توان نهادها و فعالیتها را برحسب «کارکرد»ی که این نهادها برای بقای کل دارند مورد بررسی قرار داد. نیازها به تداوم حیات سیستم کمک می‌کنند.

### نظام کنش اجتماعی

پارسونز نظام اجتماعی را «شیوهی سازمان‌دهی عناصر کنش<sup>60</sup> متناسب با استقامت یا فرآیندهای بسامان دگرگونی الگوهای کنش و واکنشی انبوهی از بازیگران منفرد» تعریف می‌کند<sup>61</sup> آلموند و پاول اظهار می‌دارند که نظامهای اجتماعی محصول تجمع افراد نیست، بلکه حاصل به هم پیوستن نقش‌هاست.<sup>62</sup>

در نظر پارسونز، کنش اجتماعی انسان، دارای مشخصات یک نظام و قابلیت تحلیل سیستمی است؛ یعنی هر کنشی در هیات مجموعه‌ای از واحدهای کنشی یک یا چند کنشگر ظاهر می‌شود. پس کنش، جسم مرکب و محصول ترکیبی است که قابل تجزیه نباشد. بنابراین، کنش مجزا، منفصل و ساده، واقعیت ندارد بلکه کنش در فرآیند و شبکه‌ای پیچیده به کنش‌های دیگری متصل است؛ مثل نقش پدر در خانواده و خانواده در شبکه روابط خویشاوندی.<sup>63</sup>

هر عامل در یک نظام اجتماعی، به ویژه از دید کنش متقابل آن با دیگر عامل‌ها، در نظر گرفته می‌شود؛ مراد از عامل در نظام اجتماعی ضرورتاً افراد منفرد نیست، بلکه گروه‌ها و اجتماعاتی نظیر یک روستا، یک منطقه، یک طبقه و یا یک ملت نیز عامل محسوب می‌شود. بنابراین، کاربرد کنش متقابل از دید پارسونز تنها به

<sup>59</sup>. سیف‌زاده، همان، 268

60 Action-Elements

<sup>61</sup>. الکس، کالی‌بی‌کوس، *درآمدی بر نظریه‌های اجتماعی*، ترجمه اکبر معصوم بی‌گی تهران: آگه، 1386 ص 421

<sup>62</sup>. سیدحسین سیف‌زاده، همان، ص 224

<sup>63</sup>. گی‌روشه، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده ف ص 61

روابط میان اشخاص محدود نمی شود و می تواند به تمامی سطوح واقعیت اجتماعی گسترش یابد.<sup>64</sup>

پارسونز چگونگی میل به تعادل را از طریق «سیستم نظارت درونی نشان می دهد که آنرا با «نظام کنش» تبیین می کند. این نظام از دو جزء اساسی تشکیل شده است: ساخت و کارکرد.

پارسونز همانند دورکیم می ان علل موجد و علل مبقی ه تفاوت می گذاشت و می خواست به دو سوال پاسخ گوید<sup>65</sup>:

۱- چرا و بنا به چه علت‌هایی یک پدیده اجتماعی به وجود می آید؟

۲- چرا و بنا به چه علت‌هایی یک پدیده اجتماعی در جامعه دوام و بقا می یابد؟

پارسونز در پاسخ به پرسش نخست جوابی ساختارگرایانه می دهد پارسونز ساختار را چنین تعریف می کند: «مجموعه همبسته‌ای از نقش‌ها، گروه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها، نهادهایی که کنش‌های خاصی را تجویز، تحریم، تشویق و تقبیح می کنند»<sup>66</sup>، ساختارهای اجتماعی براساس مرزهای کارکردی از هم جدا می شوند.<sup>67</sup>

هدف اساسی ساختارگرایی این بود که قواعد تعیین کننده رفتارها احصا شوند. ساختارها به فعالیت انسانی شکل می دهد پس برای ساختارگرا رابطه بی واسطه و مستقیمی بین متغیر مستقل ساختار و متغیر وابسته رفتاری وجود دارد.<sup>68</sup> نظام کنش دارای سه شرط می باشد:

الف) برخورداری از مفهوم ساخت ؛ یعنی هر نظامی و اجزای آن دارای آرایش سازمانی بوده و از اجزای مولفه‌های نسبتاً پایدار تشکیل می شوند. به نظر پارسونز، الگوهای هنجاری در سطحی انتزاعی تر، در نظام کنش اجتماعی انسان نقش متغیرهای ساختی<sup>69</sup> را ایفا می نماید.

ب) برخورداری از مفهوم کارکرد<sup>70</sup> ؛ یعنی هر نظام کنشی برای استمرار و دوام خود به برخی از نیازهای اولیه نظام نیازمند است. کارکرد موجب تمایز ماهوی یک نظام از نظام دیگر می شود. به مقتضای این مفهوم

<sup>64</sup>. غلام عباس توسلی، *نظریه جامعه‌شناسی*، ص 191

<sup>65</sup>. ریتزر، جورج، *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی 1374 صفحه 77

<sup>66</sup>. چیلکوت، همان، ص 278

<sup>67</sup>. چیلکوت، همان، ص 278

<sup>68</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 248

است که مثلاً نظام سیاسی با کارکردهای فوق از نظامهای دیگری چون امت، قبیله و .. متمایز می شود. کارکرد و هدف عامل مهمی است که موجب تمایز کیفی انواع نظامها (مثلاً امت از دولت) از یکدیگر می شود<sup>71</sup>.

ج) فرآیند<sup>72</sup> خود سیستم و درون سیستم؛ بنا به طبیعت یک نظام کنشی متضمن فعالیتها، تغییرها و تطور است که نمی تواند تصادفی باشد، بلکه باید طبق قواعدی صورت گیرد؛ البته مفهوم نظام کنش در نظر پارسونز یک مفهومی اکتشافی است، نه عینی و واقعی.<sup>73</sup>

### الف) ساخت ها

پارسونز نظام اجتماعی را به چهار «پاره-نظام» تفکیک می کند: «اقتصاد»، «نظام حکومتی»، «نگهداری الگو»<sup>74</sup>، که فرهنگ از طریق آن ارزشهای حاکم بر کنش را فراهم می آورد، و «همستان جامعگی»<sup>75</sup>، یعنی نظم هنجارمند لازم برای یکپارچگی<sup>76</sup> این پاره نظام ها عناصر ساختی نظام کنش را می سازند و کنشگر در محدوده‌ای که آنها برایش تعیین می کنند، امکان کنش می یابد. به صورت خلاصه در زیر این عناصر معرفی می گردند:

نظام فرهنگی؛ به ارزشها، ایده‌ها، نمادهای آموخته شده، اعتقادات باورها و جهت‌گیری‌های ارزشی اطلاق می شود که به هنجارهای مختلف، همراه با نقش‌های منزلتی گوناگون انسجام می بخشد و ثبات اجتماعی در گرو نهادینه شدن آنهاست<sup>77</sup>

منظور از نظام اجتماعی؛ اشاره به روابط متقابل کنشی بین نقشهای مختلف به هم وابسته است (مناسبات بینابینی اقدام مبتنی بر شبکه نقشها). نظام اجتماعی بر دنیای روابط انسانی، دنیای مناسبات ناظر است. یک «نظام اجتماعی» همانند نظام‌های مکانیکی یا بیولوژیکی، دارای محیطی است که این مرزها را احاطه کرده است،<sup>78</sup> به

71. سیف‌زاده، همان، ص 224-226

72 Process

73. گی‌روشه، همان، ص 61

74 Pattern mainenance

75 Societal community

76. آکس، همان، 426

77. الکس، همان ص 421

78. احمد پیشه ور، جامعه شناسی سیاسی، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، 1376، ص 91

عنوان مثال: سه نظام فرهنگی، نظام هویت شخصی و ارگانسیم رفتاری که در مجاورت نظام اجتماعی وجود دارند، مرزهای نظام اجتماعی محسوب می شوند.

سومین نظام نظام سیاسی یا حکومتی است از همین روست که نظام حکومتی « به لحاظ تحلیلی مشخص است، و پاره-نظام، کارکردی، جامعه به شمار می آید » «مرجع ارزشی»<sup>79</sup> نظام حکومتی، همانا اثر بخشی است در نظام حکومتی، قدرت مرجع ارزشی است و زور اساس اجماع در قلمرو قدرت سیاسی است. از این رو، زور در وهله‌ای نخست به عنوان، بازدارنده ی غایی، اهمیت دارد. جایی که وسایل تاثیر بخشی که بسته به نظمی نهادینه شده‌اند نامطمئن یا ناکام مانده‌اند، زور وسیله‌ای است که می توان آن را ذاتاً تاثیر بخش‌ترین وسیله در بستر بازدارندگی به شمار آورد. زور نیز مانند طلا همیشه حضور دارد، اما بیرون از بحران‌ها، وبه ندرت برای حفظ ثبات به کار می آید<sup>80</sup>.

نظام اقتصادی یا بیولوژیک ؛ این پاره نظام، نظامی فعالیتی است که مسئول کارکرد انطباق اندام‌وار وجود انسانی است.<sup>81</sup>، از طریق این نظام، جامعه باید خود را با محیط مادی انطباق دهد.<sup>82</sup> مرجع ارزشی اقتصاد، فایده است و مستلزم «واسطه‌ای تعمیم یافته» است که «مقیاسی» از رزش‌های مربوط عرضه می کند -در اقتصاد، پول، همانند قدرت در نظام حکومتی است. پارسونز استدلال می کند در روزگار معیار طلا، طلا به منزله‌ی محور غایی نظام‌های پولی‌ای عمل می کند که معمولاً با کاغذ و اعتبار معامله می کنند طلا همیشه حضور دارد، اما بیرون از مبادلات<sup>83</sup>

نوعی سلسله مراتب و ارجحیت بین نظام‌های تابعه فوق برقرار می باشد. هرچه از سلسله مراتب به سوی پایین حرکت می شود، با تامین اقتصاد انرژی افزایش می یابد، در مقابل اطلاعات و مهارت در کنترل محیط کاهش می یابد. برعکس هرچه سرمایه گذاری در بالا بیشتر باشد مهارت کنترل محیط افزایش و میزان انرژی کاهش می یابد در واقع در این سلسله مراتب سیر نیتیکی، از عدم آگاهی مطلق ( در محیط فیزیکی و جسمانی ) به آگاهی مطلق (در واقعیت غایی) حرکت می کند و این آگاهی بیشتر امکان نظارت را بر عناصر ناآگاه تر در این

---

79 Value-reference

<sup>80</sup>. آکس، همان، 426

<sup>81</sup>. دکتر سیدحسین سیف‌زاده، همان ص 150

<sup>82</sup>. پیشه‌ور، همان، ص 91

<sup>83</sup>. آکس، همان، 426

سلسله مراتب ممکن می‌سازد، نظام شخصیتی را که بر اندیشه و عمل کنشگر آزاد تاکید دارد تحت نظارت نظام اجتماعی، نظام فرهنگی و واقعیت غایی (به عنوان سرچشمه و هستی تمامی این پیکره واحد) قرار می‌دهد،

### ب) کارکردها

در پاسخ به پرسش علل مبقیه نظام، پارسونز جوابی کارکردگرایانه ارائه می‌کند؛ چرا که پدید آمدن در جامعه‌ای خاص سالیان سال دوام و بقا می‌یابد؟ زمانی جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد که بتواند بر خطرات احتمالی که وی را تهدید می‌کند غلبه نماید. این خطرات چیستند و چگونه به کیان جامعه ضربه می‌زنند؟ در پاسخ پارسونز می‌گوید جامعه نیز همانند هر سیستم دیگری هم از درون و هم از بیرون می‌تواند آماج حملات قرار گیرد و به همین خاطر اگر سازوکارهای مشخصی برای مقابله با این دشمنان وجود نداشته باشد از هم خواهد پاشید کارکردگرایی عموماً با کل سیستم‌ها سروکار داشته، کارکردهای خاصی را به عنوان لوازم دوام سیستم‌ها مشخص کرده، و همبستگی کارکردی ساختارهای گوناگون را در درون کل سیستم نشان می‌دهد.<sup>84</sup>

هر نظام اجتماعی جهت استمرار وجود و بقای خود نیازمند تامین چهار متغیر کارکردی به شرح زیر است: انطباق (Adaptation)، نیل به هدف (Goal attainment)، یکپارچگی و ادغام (Integration) و نگهداری الگویی (Pattern maintenance).

### کارکرد حفظ الگو یا سیانت:

به اعتقاد پارسونز، الگوهای فرهنگی به نظام کنش، ساخت می‌دهد و از طرف دیگر به شیوه خاصی، ساخت می‌پذیرد. الگوهای فرهنگی بنا به طبیعت خود، کنشگر را وادار می‌دارد که انتخاب کند، دآوری نماید، حکم صادر سازد، موضع‌گیری کند و رفتاری موافق یا مخالف دیگری در پیش گیرد. هرکنشی در آن واحد ناگزیر است دارای یک انتخاب و یک امتناع، یک قبول و یک رد، یک تمایل و یک تنافر، یک بله و یک نه باشد، چرا که راهنمای هر کنشی ارزشهایند و دوگانگی و تناقض، جزئی از ماهیت ارزشهاست.<sup>85</sup> جامعه باید افراد و اعضای جدی را با نمادها ارزشها باورها و حدود وظایف و اختیاراتشان آشنا سازد و الا نظم در جامعه به

<sup>84</sup>. چیلکوت، همان، ص 273

<sup>85</sup>. گی‌روشه، همان، ص 67

هم می خورد و این به معنای زنگ هشدار برای جامعه می باشد. پس جامعه باید سازوکارهایی را تدارک ببیند تا فرهنگ و تجربیات نسل قدیم به نسل جدید منتقل شده و از دی‌گر سو فرد مهی‌ای پذیرش نقش‌های اجتماعی گردد تلاش برای حفظ ارزش‌ها و باورهایی که نظام بر اساس آن به وجود آمده است؛ عملکردی که از آن طریق، الگوهای سازمان اجتماعی و تعامل یعنی ویژگی‌های نظام اجتماعی در طول زمان حفظ می‌شوند.<sup>86</sup> این کار با آموزش ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر به افراد به ویژه به اطفال و مهاجران محقق می‌شود. کارکرد حفظ الگو همچنین به ارضای نیازهای واقعی بسیاری از مردم و مهار و کنترل تنش‌های درون سیستم دلالت می‌کند. صیانت به وسیله گروه‌های مذهبی، خانواده‌ها، مدارس، و ساختارهای متعدد دیگری در قلمرو فرهنگ انجام می‌گیرد. شباهت رفتاری بین افراد یک جامعه را ناشی از ارزش‌های اجتماعی همه پذیر می‌داند.<sup>87</sup> خلاصه اینکه نظام تابعه فرهنگی، به کارکرد انتقال فرهنگ (هنجارها و ارزش‌ها) از طریق ساختارهایی چون مدارس و خانواده متعهد است. این نظام تابعه موجب درونی شدن هنجارها و ارزش‌ها در بازیگران می‌شود.

### کارکرد انطباق و سازگاری با محیط:

کارکرد انطباق و سازگاری به معنای فراهم نمودن تسهیلات و منابع لازم برای سیستم است، و سازگاری را هم باید در نظام اقتصادی و ساختارهای اقتصادی جست. لازم است بین تحولات اقتصادی و تفکیک نقش‌های اقتصادی و ایجاد نهاد کار و اشتغال و ارزش‌ها، تطابق و سازگاری وجود داشته باشد. تخصیص منافع تکنیکی و فرصت‌های شغلی به افراد و گروه‌هایی که شامل نظام اجتماعی می‌شوند، تخصیصی که در تعقیب اهداف نظام انجام شده است. این کار را اقتصاد و نهادهای اقتصادی انجام می‌دهند، چون سازگاری شامل مجموع فعالیت‌هایی است که صرف تولید و توزیع کالاها و خدمات مصرفی می‌شود.

### کارکرد تحقق اهداف:

از سوی دیگر، یک چنین جامعه‌ای به مانند هر سیستم دیگری باید جهت‌ی و هدفی را دنبال نماید. این دنبال هدف بودن به جامعه نظم می‌دهد. سیستم بدون هدف در راستا و جهت بی‌نظمی حرکت می‌کند. البته این هدف خود می‌تواند موجب بقای نظم در سیستم باشد اما همی‌ن هدف باید مصرح گشته و افراد

<sup>86</sup>. احمد پیشه‌ور، همان، ص 95

<sup>87</sup>. چیلکوت، همان، ص 254



بدانند که موجودیت آنها به خاطر رسیدن به این هدف می باشد. این چنین است که پارسونز چهارمی نیازی اساسی هر سیستمی را کارکرد دستیابی به هدف می شمارد.

کارکرد هدف یابی به بسیج مردم و منابع برای دستیابی به اهداف جمعی اشاره دارد. از نظر پارسونز هدف یابی به نظام سیاسی و ساختارهای سیاسی مربوط می شود، این کار ویژه مربوط به شکل گیری و تعیین اولویت های اهداف نظام است. کار ویژه نظام فرعی تحقق اهداف به معنای برنامه ریزی و تلاش در تحقق اهدافی می باشد که نظام به خاطر آن به وجود آمده است؛ یعنی ایجاد تفاهم در اهداف اجتماعی و اختصاص منابع برای نیل به آن در کسب هدف، امری لازم و ضروری است. نظام سیاسی این کار را از راه سیاست صورت می دهد. خلاصه اینکه نظام تابعه سیاسی به کارکرد نیل به هدف متعهد است و تامین این مقصود از طریق بسیج بازیگران و منابع برای دستیابی به اهداف ممکن می شود.

### کارکرد وحدت و یگانگی:

کارکرد نظام اجتماعی، ایجاد یگانگی و یکپارچگی است؛ یعنی کار نظام اجتماعی، جمع کردن، یگانگی کردن و هماهنگ نمودن اجزای نظام کنش است.<sup>88</sup> از این طریق، اشکال مختلف ساختارهای درون نظام، نظم یافته و مطابق سبکی خاص همسو می شوند تا از آسیب های بی ثباتی در نظام جلوگیری شود؛ در واقع لازم است نقش ها در یک کل هم آهنگ وجود داشته باشند و هر کس مطابق با موقعیت و نقش خود عمل کند،<sup>89</sup> تا همگرایی بین اجزای مختلف جامعه محقق شود. در دیدگاه مذکور، دین و نظام قانونی و حقوقی متکفل انجام چنین کارکردی است. کارکرد یکپارچگی هم به معنای هماهنگی روابط متقابل اعضای یک سیستم است، یکپارچگی را در نظم حقوقی و کنترل اجتماعی مشاهده می کنیم.<sup>90</sup>

کارکردهای چهارگانه مذکور که برای دوام سیستم در نظر گرفته شده است، در نهایت موجب انسجام هرچه بیشتر سیستم را فراهم می آورد و این توانایی را به او می بخشد که بتواند دگرگونی های شدیدی که باعث از هم گسیختگی ساختارها می گردد را در درون خویش هضم نموده و آنرا به شکل تحولی قاعده مند و سامان مند مدیریت نماید تا تعادل میان نظام های فرعی کنش و عناصر ساختاری درون سیستم را حفظ نماید و کلیت آنرا به

<sup>88</sup>. گیروشه، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، ص 98

<sup>89</sup>. احمد پیشه‌ور، همان، ص 95

<sup>90</sup>. چیلکوت، همان، ص 278

سوی «واقعیت غایی» مشخص رهنمون سازد.<sup>91</sup> در واقع از نظر پارسونز انسانها با آن که می‌خواهند از طریق یک کنش (مثل غذا خوردن) به یک نیازی سستی شان پاسخ دهند (هدف خاص، کسب انرژی برای سازگاری با محیط)، در عین حال هم طبق الگوهای فرهنگی (این که چگونه غذا بخوریم) و در جهت یگانگی اجتماعی (در شیوه غذا خوردن هم نشان بدهیم که متعلق به آن گروه، طبقه یا جامعه خاص هستیم) عمل می‌کنند. از این نظر کنش، رفتاری است که در یک چهارچوب خاص انجام می‌گیرد و این نظام اجتماعی است که بر تمامی کنش‌های انسان نظارت دارد. خلاصه اینکه نظام تابعه اجتماعی، به کارکرد ادغام، از طریق قانونگذاری موظف است و این نظام تابعه فعالیت مولفه‌های مختلف نظام کلی جامعه را هماهنگ می‌کند.

#### جدول نظام‌های چهارگانه و کارکردهای آن

نظام تابعه اجتماعی: کارکرد: ادغام و یکپارچگی	نظام تابعه: نظام فرهنگی کارکرد: درونی کردن فرهنگ نگهداری الگویی
نظام تابعه سیاسی: کارکرد: حصول به هدف	نظام تابعه اقتصادی: کارکرد: انطباق

در نظر پارسونز، نظام سیاسی نیز در صورتی که بقیه نظام‌ها به کار خود نپردازند، دارای همین کارکرد مهم چهارگانه می‌باشد: ایدئولوژی و قانون اساسی کارکرد نخست را اجرا می‌کند؛ دستگاه اجرایی یا حکومت، مسئول انجام کارکرد دوم است؛ دستگاه دیوانی یا بروکراسی متکفل اجرای کارکرد سوم می‌باشد و دستگاه قضایی وسیله اجرای کارکرد چهارم است.<sup>92</sup>

ساختار	کارکرد
ایدئولوژی و قانون اساسی	حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی

<sup>91</sup> کرایب، (1998) *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر آگه. صفحه 56

<sup>92</sup> حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ص 86

ایجاد همبستگی و حل منازعه	قوه قضائیه
نیل به اهداف	دستگاه دیوانی و برنامه ریزی
انطباق با شرایط	دستگاه اجرایی

### ج) فرآیند

هریک از این چهار سطح نظام از دو سطح دیگر تاثیر می پذیرد. رابطه بین این نظامها متقابل و دوسویه است. پس تعامل بین این نظامها موجب تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنها از یکدیگر است.<sup>93</sup> تبادل بین « نظام اجتماعی » و نظامهای دیگر به این صورت است که « نظام اجتماعی » ارزشهای مذهبی را از نظام فرهنگی می گیرد ارزشهایی که شالوده ای برای هنجارها فراهم می آورند بنیاد یکپارچگی و اجتماعی کردنی را تشکیل می دهند این ارزشها داده های هستند که به واسطه ی نظام فرهنگی پدید می آیند.<sup>94</sup> «نظام اجتماعی»، تعداد متنوع و بی شماری از اشخاص را که در صدد ایفای نقشها و پرکردن جایگاههای سازمانی و چارچوبه های تعامل در درون « نظام اجتماعی » اند از نظام شخصیتی می گیرد. ادامه حیات این نظامها به چنین فرآیند و پیوستگی به یکدیگر وابسته است.<sup>95</sup>

به نظر پارسونز، مبادله بین نظامهای تابعه، نظام مبادله را شکل می دهد و این موجب پویایی تعادل اجتماعی می شود؛ یعنی با این کار، نظامهای کنش، پدیده ای زنده، متحرک و تحول پذیر است و دگرگونی نیز به اندازه کنش متقابل بخشی از ماهیت آن است.<sup>96</sup>

اجتماع جامعه ای یا نظام جمعی شده عرصه ایی از کنترل اجتماعی است که به همان اندازه که سرچشمه رضایت است می تواند منشاء اجبار نیز باشد. از این چشم انداز حقوق و قوانینی و نهادهای حقوقی، ساخت یافته ترین شکل نظام جمعی شده هستند و انواع گوناگون انسجام نیز کم ساخت یافته ترین شکل آن را صورت می بخشد<sup>97</sup>

<sup>93</sup>. دکتر سیدحسین سیف زاده، همان ص 150

<sup>94</sup>. الکس، همان، ص 429

<sup>95</sup>. پیشه ور، همان، ص 92

<sup>96</sup>. غلام عباس توسلی، همان، ص 256

<sup>97</sup>. محمدی اصل، همان، 74

اجتماع جامعه‌ایی هر چند به عنوان نظام کنشی از استقلال نسبی برخوردار است و دارای شبکه‌ایی از مرزبندی‌ها با نظام‌های مجاورش می‌باشد؛ اما نظامی باز نیز هست که با محیط و همسایگان خود (اقتصاد، سیاست، جامعه‌پذیری) ارتباط دائم داشته و همین پدیده میان آنها شبکه‌ایی مبادلاتی به وجود می‌آورد. شبکه مبادله مزبور نیز دو بعد دارد: اولاً هر خرده نظام اجتماعی مختص تولید و ارائه فعالیت‌هایی در پاسخ به نیازی بنیادین است که این امر بازار خاصی به وجود می‌آورد تا خرده نظام از طریق آن تولیداتش را با دیگر نظام‌ها مبادله کند. ثانیاً باید چهار واسطه مبادله که هر کدام از آنها بر یکی از این چهار خرده نظام بنا شده‌اند، وجود داشته باشد. از بسط این چهار نظام مبادله چهار واسطه مبادله به نامهای پول، قدرت، نفوذ و تعهد شکل می‌گیرد. قدرت، امکان الزام کنشگران جامعه به اجرای عملی در چهارچوب اهداف طرح‌ریزی شده را فراهم می‌آورد.

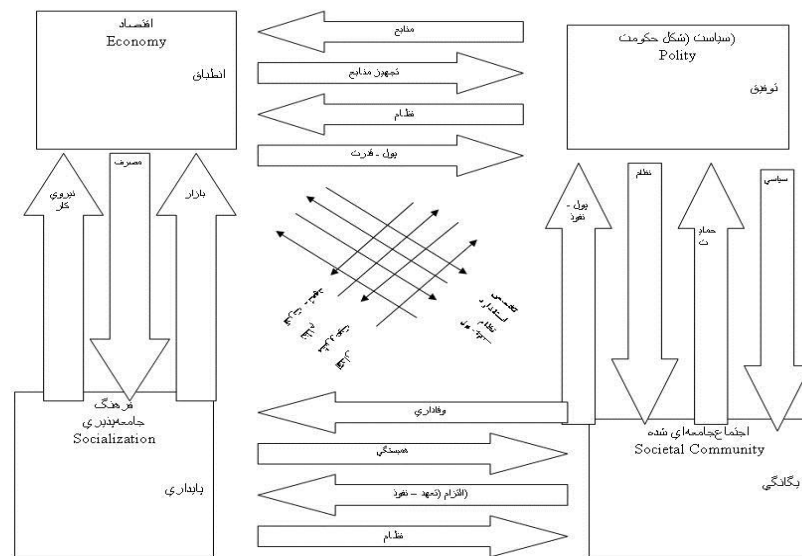
اقتدار، رمزی است نهادین که حقوق و اختیار شرکت کنندگان در نظام قدرت را معین می‌کند. نفوذ، قابلیت و تائید و وفاداری از طریق ترغیب و تحریک است. نفوذ با تحرک خود از طریق حرکت و کاهش و افزایش، مبادله را تسهیل می‌کند. به علاوه التزام و تعهد به هنجارها و ارزش‌ها نیز نقش پول را در خرده نظام فرهنگ به عهده دارد

پول، پیوند دهند اقتصاد و جامعه است اقتصاد به یاری شبکه مبادلات می‌تواند پول را به دیگر خرده نظام‌های جامعه منتقل کند.<sup>98</sup>

در این جا لازم است نظام مبادله مورد نظر پارسونز را در بحث کنش اجتماعی ترسیم کنیم تا مبادله و وسایل بین نظام کنش اجتماعی به طور روشن‌تر نمایش داده شود.<sup>99</sup>

98. عباس محمدی اصل، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، تهران، نشر علم، 1387، ص 78

99. محمدی اصل، ص 77



### سیستم سیاسی

جامعه به عنوان یک ابر سیستم یا سیستم برتر، فراگیرترین سیستم اجتماعی است. بنابراین سیستم سیاسی عبارت است از مجموعه‌ای از تعاملات جداشده از کل رفتار اجتماعی که با تخصیص اقتدار آمیز ارزش‌ها در جامعه سروکار دارد<sup>100</sup>. «نظام سیاسی»، خرده نظام اجتماعی است، حتی در «نظام سیاسی» شماری از خرده نظام‌هایی، مانند نظام حزبی و گروهی وجود دارند.<sup>101</sup> برخی دیگر «نظام سیاسی» را مجموعه مهمی از نهادهای اجتماعی می‌دانند که با صورت‌بندی و اجرای اهداف جمعی برای یک جامعه یا گروه‌های داخلی آن سروکار دارد<sup>102</sup>. سیستم سیاسی به وسیله کنش‌های مربوط به تصمیمات الزام‌آور در یک جامعه مشخص می‌شود. واحدهای سیستم سیاسی را کنش سیاسی تشکیل می‌دهند<sup>103</sup>. ساختار سیاسی در دو عرصه حکومت و جامعه مدنی فهرست شده‌اند: رای‌دهندگان، گروه‌های ذینفوذ، احزاب گوناگون، سازمانهای اداری، مجالس مقننه، قوه اجرایی، کابینه، ارتش و نیروهای انتظامی از لحاظ مفهومی هر کدام بخشی از ساختار سیاسی را شکل می‌دهند.

<sup>100</sup>. چیلکوت، همان، ص 238

<sup>101</sup>. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، ص 151

<sup>102</sup>. آلموندگابریل و همکاران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب ص 5

<sup>103</sup>. چیلکوت، همان، ص 237

اگر نظام‌های سیاسی به درستی به وظایف و کارکردهای خود عمل کنند، جامعه در تعادل باقی خواهد ماند و الا با بروز عدم تعادل در جامعه، ممکن است نهادهای سیاسی بر اثر اعتراض‌های شدید و انقلاب، سرنگون شوند.

آمووند سیستم سیاسی را به مثابه مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با ساختار و کارکرد مورد استفاده قرار داد. او به جای تکیه بر مفاهیمی مثل نهاد، سازمان یا گروه، به نقش و ساختار توجه نمود. نقش‌ها عبارتند از واحدهای متعامل سیستم سیاسی، و ساختارها عبارتند از الگوهای تعامل یا کنش متقابل<sup>104</sup>. از لحاظ مفهومی آمووند به جای دولت و دستگاه قانونی و نهادی مورد توجه دانشمندان سیاسی سنتی، مفهوم سیستم سیاسی را به کار برد. کارکرد جای قدرت را می‌گیرد. نقش جای منصب و ساختار هم جای نهاد را می‌گیرد. سیستم سیاسی آمووند چهار خصوصیت دارد: 1- تمام سیستم‌های سیاسی دارای ساختارهایی سیاسی هستند. 2- در تمام سیستم‌های سیاسی کارکردهای مشابهی وجود دارند. 3- تمام ساختارها سیاسی چند کارکردی هستند 4- تمام سیستم‌های سیاسی دچار آمیختگی فرهنگی هستند<sup>105</sup>.

نظام سیاسی همانند دستگاه سبیرنتیکی با آمایش و داده‌پردازی، ورودیهای نظام را به خروجی تبدیل می‌کند. البته هر نظام دارای دستگاهی بازخوردی است. ورودیهای هر نظام به دو شکل تقاضا و حمایت وارد نظام سیاسی می‌شود و پس از داده‌پردازی در درون ساختار نظام سیاسی به صورت تصمیمات سیاسی از نظام سیاسی خارج می‌شود<sup>106</sup>.

آمووند مقوله‌های کارکردی خود را مطرح کرده و آنها را بر اساس درونداها و برونداها از هم جدا می‌سازد:

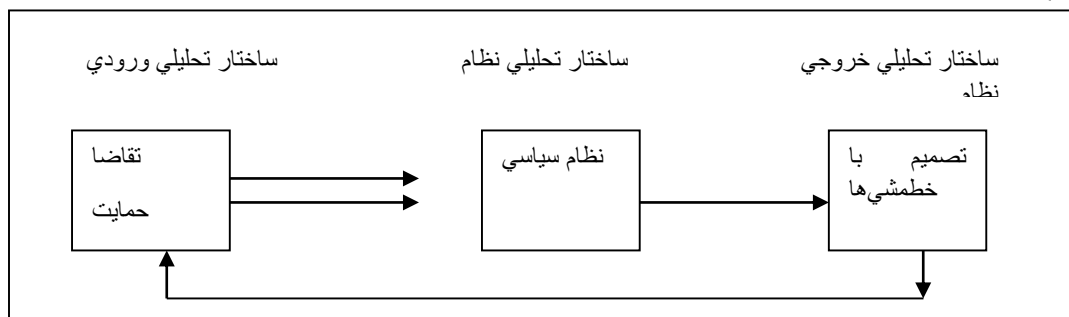
کارکردهای دروندادی شامل: جامعه پذیری و استخدام سیاسی؛ بیان منافع؛ تلفیق منافع؛ ارتباطات سیاسی.

کارکردهای بروندادی نیز شامل: وضع قانون؛ اجرای قانون؛ قضاوت بر اساس قانون می‌باشد. کارکردهای بروندادی، کارکردهای دولت هستند و با سه قوه سنتی درون دولت، سه قوه قانون‌گذاری، اجرایی، و قضایی -

<sup>104</sup>. چیلکوت، همان، ص 259

<sup>105</sup>. چیلکوت، همان،

<sup>106</sup>. احمد پیشه‌ور، ه



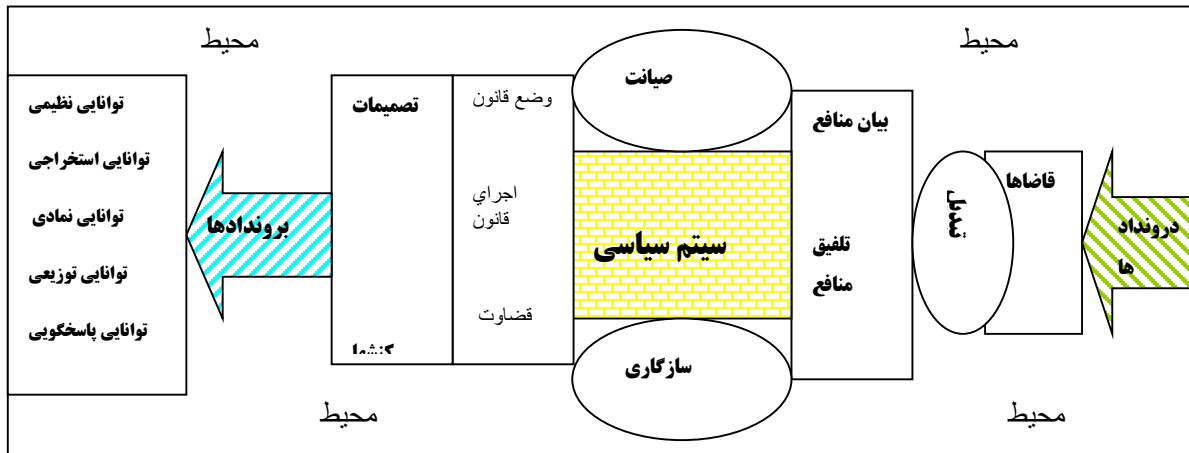
انطباق دارند بدین ترتیب این سه کارکرد جای سه قوه مذکور را می گیرند<sup>107</sup>

سیستم سیاسی آمووند از اجزاء همبسته بسیاری تشکیل می شود این اجزاء شامل نهادهای دولتی به علاوه تمام ساختارها در ابعاد سیاسی زندگی آنها می گردند یک مرز بین سیستم و محیط آن وجود دارد. درونداها و برونداها روی سیستم تاثیر می گذارند، و بین سیستم و محیط، بازخوران وجود دارد. آمووند چهارنمونه از تقاضاها و چهار نمونه از حمایتها را مشخص کرده است که درونداهای سیستم را تشکیل می دهند. او همچنین چهارنوع اقدام را توصیف کرده است که برونداهای سیستم را تشکیل می دهند. در نمودار ذیل سه سطح کارکردی هم وجود دارد که آمووند آنها را در صورت بندی خود وارد کرده است سطح اول از شش کارکرد تبدیلی نمودار: بیان منافع، تلفیق منافع، ارتباطات سیاسی، وضع قانون، اجرای قانون، و قضاوت بر اساس قانون تشکیل شده است. این کارکردها به تقاضاها و حمایت های دروندادی و تصمیمات و کنش های بروندادی در سیستم سیاسی مربوط می شوند تقاضاها از طریق بیان منافع صورت بندی می شوند و از طریق تلفیق منافع با هم ادغام شده و به صورت کنش ها درمی آیند. قوانین به وسیله سه کارکرد وضع قانون، اجرای قانون، و قضاوت بر اساس قانون به ترتیب تدوین، اجرا، و ارزیابی می شوند. ارتباطات روی تمام این فعالیتها تاثیر می گذارد. سطح دوم فعالیتها از کارکردهای مربوط به تواناییها تشکیل می شود: تنظیم، استخراج، توزیع، و پاسخ نمادی. این کارکردها به عملکرد سیستم در درون محیط خود مربوط می شوند آمووند این کارکردها را در مورد جوامع توتالیترو دموکراتیک به کار برد. او تصور می کرد که در جوامع دموکراتیک « برونداهای تنظیم، استخراج، و توزیع از درونداهای تقاضاها و گروهها بیشتر تاثیر می پذیرند».

کارکردهای صیانت و سازگاری شامل جامعه پذیری و استخدام سیاسی می شوند و سومین سطح فعالیتها

<sup>107</sup>. چیلکوت، همان، ص 262

را تشکیل می دهند<sup>108</sup>.

 نمودار سیستم سیاسی و سطوح کارکردها از نظر آلموند<sup>109</sup>


## چالش‌ها و سازوکارهای نظام

### علل پیدایش چالش‌ها و سطوح آن

ناهماهنگی بین حوزه‌های گوناگون جامعه منبع اصلی منازعه سیاسی می باشد. از این رو منازعه ممکن است منبع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی داشته باشد. نظام سیاسی وقتی با ثبات است که به طور منظم داده‌ها را دریافت و به بازده تبدیل کند. از سوی دیگر اگر مدار داده، فرایند، بازده و بازخورد گسسته شود نظام سیاسی دچار اختلال می گردد. نظریه پردازان کارکردگرایی، پس از پارسونز سعی کردند یک چارچوب از دیدگاه «منازعه اجتماعی» را گرفته و آن را در نظریه کارکردگرایی بگنجانند. این نظریه پردازان رابرت مرتون، جامعه شناس امریکایی بود البته خود پارسونز اعتقادی به منازعه اجتماعی و تضاد نداشته و تمامی فعالیت‌ها را در جهت پیشرفت جامعه می دانست اما مرتون علاوه بر کارکرد در جامعه، به عدم کارکرد در جامعه نیز اشاره می کند. عدم کارکرد در جامعه توسط افراد نابهنجار جامعه صورت می گیرد و جامعه نیز در مقابل آنها را تنبیه می کند و در نتیجه کل جامعه با هنجارهای آن انس می گیرند؛ به عبارتی در اثر دخالت جامعه، عدم کارکرد به کارکرد تبدیل می شود<sup>110</sup>.

<sup>108</sup>. چلیکوت، همان، ص 266-267

<sup>109</sup>. چلیکوت، همان، ص 266

<sup>110</sup>. حسن علیزاده، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه، 1377 ص 125-128



مرتن معتقد است به هنگام دگرگونی عمیق اجتماعی، «غیرکارکردها»یی از نظامهای پیشین اجتماعی باقی می ماند. این غیرکارکردها در تعاملات نظام اجتماعی موجود نقش قابل اعتنایی ندارند. اما این فقدان نقش بدان معنا نیست که باید وجود آنان را نادیده گرفت. در ارتباط با موازنه بین کارکردها و ناکاردها، مرتن معتقد است هیچ معیار و ابزاری در اختیار جامعه‌شناسان نیست که بتواند توازن بین این دو نیرو را نشان دهد. در این رابطه مرتن مفهوم موازنه خالص را مطرح نمود. این مفهوم نظر جامعه‌شناسان را به مسئله برجستگی نسبی جلب می کند منظور آن است که تاثیر کارکردی یا ناکارکردی یک پدیده‌ی خاص به این وسیله برای یک نظام خاص سنجیده می شود. هر ساختار غیرکارکردی توان غیرکارکردی کردن نظام را ندارد هرچند این امر ممکن است آثار زیانباری برای نظام داشته باشد.<sup>111</sup>

از گذشته‌های دور تا کنون، تغییر امری مستمر و همیشگی بوده و گریزی از آن نبوده است؛ اگر چه به کندی صورت می گرفته است. دانشوران بزرگی چون تالکوت پارسونز - با توجه به این که اصلاحات و حرکت‌های انقلابی از عوامل دگرگونی سیاسی و اجتماعی به حساب می آیند - در پی تبیین این نکته بر آمدند که تغییر و دگرگونی سیاسی به چه شکل و با چه ابزاری صورت می گیرد و چگونه می شود حرکت‌های انقلابی را اصلاح کرد.<sup>112</sup>

تحول به مجموعه‌ای از تغییرات اطلاق می شود که در طول یک دوره طولانی، طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می دهد، اما تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی اش می تواند یک تغییر را به طور شخصی تعقیب کند و نتیجه قطعی اش را ببیند.<sup>113</sup> در عین حال، پارسونز معتقد است، تغییر به عنوان نوع خاصی از فرآیند مشخص نظام اجتماعی است و توجه خود را به سه نوع تغییر معطوف می دارد:

اول، فرآیند ادواری که آن را از ایده‌های اقتصادی اقتباس کرده و این شیوه‌ای است که برای مثال از طریق آن، سیاست، تحت شرایط عادی عدم اطمینان و کم‌یابی منابع انجام کارکرد، دستیابی به هدف را ادامه می دهد.

<sup>111</sup>. سیف‌زاده، همان، 268

<sup>112</sup>. همان ص 20

<sup>113</sup>. گی‌روشه، *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، ص 26

دوم، رشد که در مورد سیاست، نمایانگر طرقي است که به آن وسیله سطح قدرت افزایش یا کاهش می‌یابد و سوم، تغییر بنیادی ساختاری است. البته نگرش تحول ساختاری پارسونز عام و فراگیر می‌باشد. این ایده تلاش می‌کند تا نحوه شکل‌گیری جهان امروز و اختلاف میان جوامع معاصر را با تکیه بر ساختارها و اشکال نظام دار آنها در گذشته‌های دور، توضیح دهد.<sup>114</sup>

تغییرات ممکن است به دو گونه صورت گیرد: تغییرات ساختی و تغییرات تعادل؛ تغییر ساختی آن است که باعث دگرگونی عمیق در کل سیستم می‌گردد و با تغییرات مهمی در سازمان و کارکرد جامعه یا در نظام فرعی یک جامعه همراه است و طی آن، جامعه یا نظام فرعی آن از یک نوع اجتماعی به نوعی دیگر، یا از سنخ اجتماعی به سنخ دیگر، تغییر می‌یابد؛ مثل گذر از جامعه‌ستتی به جامعه صنعتی.<sup>115</sup> تغییر ساخت از جمله واکنش‌های ممکن در برابر تنش‌های فزاینده در یک جامعه است، اما تغییرات تعادل یعنی بدون اینکه در سیستم اجتماعی دگرگونی حاصل شود، تعادل موجود جای خود را به تعادل جدید می‌دهد؛ به عبارت دیگر، سیستم به صورت یک مجموعه باقی می‌ماند. این تعادل جدید به دنبال تغییراتی در بعضی از قسمت‌های سیستم یا خرده سیستم‌ها رخ می‌دهد. پارسونز عقیده دارد، دگرگونی در تعادل پدیده‌ای عادی و دایمی در حیات سیستم اجتماعی است.<sup>116</sup>

تالکوت پارسونز، عدم موفقیت دولت‌ها و نظام سیاسی و اجتماعی را در جامعه‌پذیری و انتقال ارزشها و الگوهای فرهنگی به نسل جدید، از مهم‌ترین عامل دگرگونی و ایجاد چالش معرفی می‌کند. تغییرات در کلیت نظام به صورت تدریجی موجب تکامل است. در واقع، تغییر در پاسخ به دگرگونی‌های محیطی رخ می‌دهد. اگر نظام سیاسی متناسب با محیط حرکت کند، جامعه به سوی انسجام پیش می‌رود و الا موجب بروز انقلاب می‌شود.

نظم اجتماعی مستلزم مبادله متناسب، متوازن، متقابل و متعادل داده - ستانده خرده نظام‌های اجتماعی است و در غیر این صورت انواع مسائلی که زمینه ساز چالش‌های نظام می‌گردند شامل پنج حالت اجتماعی است:

---

<sup>114</sup>. احمد پیشه‌ور، *جامعه‌شناسی سیاسی* ص 110

<sup>115</sup>. گی‌روشه، همان، ص 113

<sup>116</sup>. همان، ص 27

بی مسئله: توزان طرح چهار کارکردی با اقتصاد و سیاست و اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ

کم مسئله: مشکل یک عنصر مثل اقتصاد

میانه مسئله: مشکل دو عنصر با هم مثل اقتصاد و سیاست.

پرمسئله: مشکل سه عنصر با هم مثل اقتصاد و سیاست و اجتماع جامعه‌ای.

بسیار پرمسئله: مثل چهار عنصر با هم مثل اقتصاد و سیاست و اجتماع جامعه‌ای و فرهنگ<sup>117</sup>

دوپیچ نظام‌های سیاسی را در مواجهه با بحران‌ها به چهار گروه دسته‌بندی می‌کند: اول، نظام‌های

خودافزاینده، دارای این خصوصیت مثبت هستند که امکان بقای آنها را در محیط‌های مختلف فراهم می‌کند.

نظام‌های قابل تداوم: میزان توان نظام‌های قابل تداوم نسبت به نظام‌های خودافزاینده کمتر است. در نتیجه

به نظر دوپیچ، چنین نظام‌هایی فقط در اوضاع محیطی مناسب قادرند خود را حفظ کنند.

نظام‌های غیرقابل تداوم: نظام‌های غیرقابل تداوم نظام‌هایی هستند که عمر طولانی ندارند، و در مقابل با

مشکلات و یا درگذر زمان به زودی فرو می‌پاشند.

نظام‌های خود نابود کننده: نظام‌های خود مخرب نظام‌هایی هستند که حتی در وضعیت محیطی مناسب

خارجی، به لحاظ درگیری داخلی از هم می‌پاشند. از لحاظ سیاسی، نظام‌های قطبی شده و درگیر خشونت‌های

انقلابی و شورش‌های مردمی از این دسته محسوب می‌شوند. از دیدگاه ایستون فشار زمانی وجود دارد که

متغیرهای اساسی یک سیستم سیاسی بعضی ارزشها و هنجارها به خطر می‌افتد در غیر این صورت فشار وجود

ندارد.

### چالشها در نظریه ساختاری کارکردی

وابستگی متقابل، حساسیت متقابل و آسیب‌پذیری متقابل از دیگر مفاهیم مربوط به نظام است. هرچه نظام

از این خصلتها بیشتر برخوردار باشد درجه و میزان ادغام نظام بیشتر است. کمبود هر یک از این خصلتها نشان

از درجه و میزان کم ادغام مولفه‌های نظام است. واگرایی و همگرایی از مفاهیم وابسته به سه مفهوم فوق است.

نظام‌هایی که در حال تعادل و ثبات پایدار باشند، بین مولفه‌ها درجه بالایی از همگرایی وجود دارد. در صورتی که

نظام از تعادل خارج شده باشد، و یا در جوامع انسانی با تلقین عدم تعادل و واگرایی ممکن است جامعه به عدم

تعادل و واگرایی برسد. بروز انقلاب خودجوش، جنگ داخلی، کودتا، شورش‌های مردمی از این عارضه حکایت

<sup>117</sup>. محمدی اصل، همان، ص 75

دارند. اما ایجاد انقلاب از طریق تهییج و یا ارباب راه دیگری است که تلقین عدم تعادل و واگرایی و یا عامل فشار موجب می شود تا نظامها دچار واگرایی و عدم تعادل شوند.<sup>118</sup>

هرگونه تغییر در نظام مبادله و اعمال متقابل (مانند نوسازی) باعث تغییر در شبکه تعامل ساختار اجتماعی، طبقات و نهادها می گردد در نگرش سیستمی فرد، خانواده، جامعه و حکومت را به صورت زیرمجموعه های به هم پیوسته یک نظام کلان نشان می دهد، متغیرهای بحران را ممکن است در هر سطحی بروز کند و باعث برهم زدن نظم شود، این اختلال، بدلیل پیوستگی مجموعه ها، به مناطق دیگر منتقل می شود و در یک چرخه بحرانی باعث برهم خوردن تعادل نظام می گردد. بحرانها بسته به اینکه در کدام منطقه و به چه دلیل حادث شود، ممکن است یکی از موارد زیر را در بر گیرد

چالش در نظام فلسفی و ارزشی جامعه موجب بروز بحران مشروعیت می شود بحران مشروعیت: زمانی فیصله می یابد که ترتیبات و دستگاه های حقوقی و رسمی در قالب اقتدار حاکم مورد پذیرش و استفاده همگون قرار گیرد.

چالش در نظام سنتی و قانونی جامعه باعث بروز بحران نهادی و نفوذ می شود. بحران درونی سازی: بروز این بحران معلول آشفتگی در هویت است و به چیزی می انجامد که مارکس آنرا از خود بیگانگی و دروکیم آنرا عناد عصیان و شورش می نامند بحران نفوذ: هنگامی حل می شود که شرایط شهرنشینی و علاقه به سیاست زمینه درک متقابل ملت و حکومت از مسائل و فراگردهای اجتماعی را فراهم آورد. بلاخره بحران یکپارچگی و همگرایی هنگامی حل می شود که بحران های مشروحه بالا به نحو مطلوب فیصله پیدا کند.<sup>119</sup>

چالش در نظام رفتاری و فردی جامعه باعث بروز بحران هویت و مدنیت می شود. به این معنی که وظائف به نحو صحیح در جامعه انجام نمی شود و مرزهای ارزشی محاط بر آنها دستخوش تغییر می شوند. این تغییر به نوبه خود نظام اعتقادی و باورهای عمومی را تحت الشعاع قرار می دهد و باعث می شود که شیوه ادراکی مردم یا بینش آنها تغییر کند و مانع از درونی کردن آنها به عنوان شخصیت فردی و هویت اخلاقی شهروندان می شود. این وضعیت را بحران نهادی کردن و یا بحران هویت نیز می نامند. بحران هویت زمانی سامان می گیرد که جامعه در فرآیند تداخل متقابل زندگی اجتماعی و ساختارهای سیاسی و عمومی به حالت تجانس

<sup>118</sup>. سیف زاده، همان، ص 224-226

<sup>119</sup>. علی اصغر کاظمی، همان ص 60

درآید. یک جامعه همگرا زمینه نزدیکی این عناصر را به هم فراهم می‌کند.

چالش در نظام کثرت‌گرایی و همگرایی جامعه باعث بروز بحران مشارکت و یکپارچگی می‌شود. بحران مشارکت: با استقرار دموکراسی، تحزب سیاسی و زمینه سازی فعالیت احزاب و گروه‌ها در زندگی سیاسی و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری امور مختلف مربوط به منافع عامه حل می‌شد.

چالش در نظام سازمانی و ساختاری باعث بحران نقش‌ها و ارتباطات می‌شود. بحران اجتماعی کردن: تغییر در ساختارها باعث گسسته شدن رفتار و روابط متقابل می‌گردد و در نتیجه فرآیند جامعه‌پذیری مختل و غیر موثر می‌شود. در این مرحله ما شاهد بروز بحران اجتماعی کردن می‌شویم، اجتماعی کردن، تداوم منش‌ها و ارتباط بین آنها را تضمین می‌کند<sup>120</sup>

چالش در نظام تکاملی، توسعه و نوسازی جامعه باعث بروز بحران توزیع و زمینه‌ساز حدوث سایر بحران‌ها می‌شد.<sup>121</sup> بحران توزیع: زمانی سامان می‌گیرد که توده‌ها از کارآمدی نظام در توزیع عادلانه ارزش‌ها و امکانات جامعه رضایت حاصل کنند و به کارآیی هیات حاکمه اعتماد نمایند.

لویسن پای در کتاب جنبه‌های توسعه سیاسی می‌گوید اگر کشورها در مسیر و دگرگون سازی با تنش و بحرانهای اساسی جامعه مقابله کنند، جریان توسعه آنها آسان خواهد شد.<sup>122</sup>

هنجارهای اجتماعی که معرف نظام اعتقادی و ارزشی جامعه است از یکسو ساختارها، به عنوان نظام مبادلات اجتماعی از سوی دیگر رفتار افراد را شکل می‌دهد. از این دیدگاه ساخت هنجاری اساس نظم اجتماعی را تشکیل می‌دهد و در نتیجه، وظیفه اصلی حکومت به عنوان زیرمجموعه جامعه، سامان دادن به بحران‌هایی است که در اثر تعارض بین هنجارها و ساختارها باعث تغییرات رفتاری می‌شود.

به عبارت دیگر، دولت در مرکز دایره جامعه تصویر شده، موظف است که اسباب و سازوکار هماهنگی بین ارزش‌ها و ساختارها را فراهم و لاجرم رفتار لازم را تضمین کند. .

### عناصر مقابله با چالش

تاکید بر نظام اجتماعی، پارسونز را به مطالعه معیارهای همبستگی اجتماعی می‌رساند. به نظر او صرفاً

<sup>120</sup>. علی اصغر کاظمی، همان، ص 61

<sup>121</sup>. علی اصغر کاظمی، *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر* / تهران: قومس، 1376 ص 59

<sup>122</sup>. علی اصغر کاظمی، همان ص 60

زور نمی‌تواند موجب همبستگی جوامع شود. در نظر او چهار دسته از عوامل: ارزشی، هنجاری، نهادی و نقشی زمینه‌ساز قوام و همبستگی جوامع می‌شود<sup>123</sup>. چهار عامل موجب استمرار نظام اجتماعی می‌شوند:

الف) ارزشها؛ که غایات زندگی را تعیین و کنش‌های افراد را به سوی آن هدایت می‌کنند. کارویژه نظام ارزشی هر جامعه‌ای، ایجاد مبانی همبستگی اجتماعی است. نظام ارزشی، عنصر اخلاقی و فرهنگی نظام اجتماعی به شمار می‌رود. ارسطو ارزش را علت غایی می‌داند. علت‌های غایی جهت حرکت زندگی را در اجتماع تعیین می‌کند. با تعیین این جهت، کنش افراد آگاهانه و داوطلبانه و یا به طریقی دیگر به سوی آن غایت هدایت می‌شود. ارزشها به زندگی اجتماعی معنا می‌بخشند. مرکز ثقل هر سیستم اجتماعی ارزش‌های افراد است. ارزش‌های افراد بهم دیگر بستگی داشته و ناشی از عادات، سنت، مذهب و نوع حکومت و جامعه است. ارزش‌ها اکتسابی و ناشی از نوع جهان‌بینی افراد می‌باشد. شکل‌گیری ارزش‌های یک فرد در دوران طفولیت انجام می‌شود که معمولاً تحت نفوذ خانواده، جامعه، مدرسه و غیره قرار دارد<sup>124</sup>.

ب) هنجارها؛ در سایه ارزشها پدید می‌آیند و عمل می‌کنند و قواعد و روش‌های عمل اجتماعی را به دست می‌دهند. هنجارها به مقتضای نظام حقوقی شکل می‌گیرد. نظام حقوقی بنا به مقتضیاتی انتخابی و اجتناب‌هایی را تصویب و به مرحله اجرا می‌گذارد. هنجارها زمینه عملی تحقق ارزشها را فراهم می‌آورد<sup>125</sup>.

ج) نهادها؛ نهادها تبلور ارزشها و هنجارهای اجتماعی هستند.

د) نقش‌ها؛ مجموعه کارکردها در درون هر حوزه از نظام اجتماعی‌اند که در عمل، ارزشها و هنجارها را در درون نهادها اعمال می‌کنند.<sup>126</sup> نقش‌های مناسب برای تحقق ارزشها آفریده می‌شود.

### استراتژی‌های تعدیل چالش‌ها:

تحول و دگرگونی یک پدیده دائمی است و سیستم بطور دائم با تحولاتی مواجه می‌شوند و جهت حفظ ثبات و بقا خود همچنین بطور دائم در جستجوی تعادل است. رفتار یک سیستم در این صورت فرآیندی است که در آن سه مرحله به‌طور دائم طی می‌شود این سه مرحله در نگاه ایستون عبارتند از مرحله اول ثبات؛ با

<sup>123</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 224-226

<sup>124</sup>. گلنسی، پای، *مقابله با بحران*، مترجم حمید مقدس، تهران: نشر و تبلیغ بشری، 1373، صفحه 45

<sup>125</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 224-226

<sup>126</sup>. حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ص 85

عوامل ایجاد کننده تحول مواجه می شود که به شکل درونداد وارد سیستم می شود و موجب تحول در رفتار سیستم می شود که تحول در رفتار را مرحله دوم این فرآیند می شناسیم تحول رفتار به شکل انتقال یا کنترل می باشد و مرحله سوم سیستم به تعادل می رسد و این تعادل منجر به وضعیت ثبات جدیدی می شود<sup>127</sup>

## ثبات 1 ← عامل تحول ← تحول در رفتار سیستم ← تعادل ← ثبات 2

عوامل فشار بر سیستم سیاسی به شکل درونداد یا خواستها وارد سیستم می شود. سیستم نیز برای حفظ نظم و ثبات، مقتدرانه ارزشها را که شامل ارزشهای مادی و معنوی است توزیع می کند و درخواستها را مقتدرانه به نهادهای حکومتی ارجاع می دهد و مجموعه استراتژی هایی را برای تعدیل و کاهش درخواستها به شرح زیر به کار می بندد:

روش اول: دستگاه حکومت می تواند کنترلهای ساختاری را برای تعدیل بر گروهی اعمال کند مقصود ایستون از کنترل های ساختاری اینست که سازمان های مانند احزاب، گروه های فشار و رسانه ها از ابتدا به ساکن سلسله مسائل و مطالبات را مطرح نمی کنند و این مطالبات تبدیل به خواست هم نمی شود. همچنانکه در دهه های 20-50 در آمریکا هیچ سازمان یا گروهی مساله رنگین پوستان و از طریق آن مساله نژاد پرستی را مطرح نمی کرد

کاربرد زور مقابله مسلحانه دولت با مردم و تقاضاهای منفی؛ گاهی افراد تصور می کنند نقش اطاعت کنندگی، ارضا کننده نیست و موجب محدودیت زیاد آنان می گردد. در واقع، این نقش را غیر قابل تحمل می یابند؛ بنابراین، به سمت عدم انجام دستورات متمایل می شوند. در چنین مواردی وجود مکانیزم هایی مثل اعمال زور و تهدید می تواند موجب اطاعت شود

3- مساله ایجاد محدودیتهای فرهنگی. مقصود اینست که هر سیستم سیاسی این اندیشه را به شهروندان خود القاء می کنند که یک سلسله خواسته از ابتدا به ساکن نباید انجام بگیرد. چون ارزشهای جامعه این را می طلبد در شوروری هیچ کس تقاضای ایجاد شرکت خصوصی را نمی کرد چون این اندیشه القاء شده بود که مالکیت خصوصی سرمایه منجر به استثمار می شود. یا در ایران امروز کسانی تقاضای بی حجابی نمی کنند چون این اندیشه القاء شده که یک زن مسلمان حجاب داشته باشد.

4- ارزشهای جامعه؛ اگر در هر جامعه ارزشها، قواعد، تعاریف حقوق و الزامات با دستورات مطابقت

<sup>127</sup>. سید حسین سیف زاده، همان ص 154

کنند، موجب اطاعت می گردند.<sup>128</sup>

5- روش کاهش تعداد خواسته‌ها که بیشتر مساله مدیریتی است احزاب و گروه‌های فشار هزاران خواست را به یک خواست تبدیل می‌کنند بدین وسیله پاسخگویی به یک خواست برای سیستم با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد.

6- روش انفکاک ساختاری: هدف تجزیه ساختاری اینست که خدماتی را که حکومت و سیستم سیاسی به مردم ارائه می‌دهد از لحاظ کمی و کیفی افزایش پیدا می‌کند به نظر پارسونز، با پیدایش نیازهای مختلف اجتماعی، ساختارهای جدید به وجود می‌آید. این انفکاک ساختاری در همه نظامهای تابعه واقع می‌شود انفکاک ساختاری به مقتضای ارتقای انطباقی در هر نظام تابعه صورت می‌گیرد. روند انفکاک ساختاری مشکلاتی را برای یکپارچگی و ادغام جامعه به وجود می‌آورد. انفکاک ساختاری، همراه با تمایز نقش از طریق تخصصی شدن به این خطر پاسخ می‌گوید. این نظامهای تابعه پراکنده نیازمند مهارتها و توانمندیهای تخصصی گسترده‌تری است. از آنجا که نظام جدید دارای گونه‌گونیهای بسیار است، جامعه‌ای که به انفکاک ساختاری پیشرفته‌ای دست یافته است، طبیعتاً به نظام ارزشی خاص خود نیاز دارد تا بتواند با قرار گرفتن در سطح بالاتری از عمومیت به گونه‌های بیشتری از اهداف و کارکردهای واحدهای تابعه حقانیت ببخشد.

7- روش افزایش حمایت از سیستم: در این باره سیستم سیاسی از طریق تبلیغات سعی می‌کند روی احساسات و تعهدات اخلاقی مردم اثر بگذارد بنحوی که وفاداری آنها را نسبت به سیستم سیاسی افزایش دهد و بدین وسیله زمینه را برای ثبات و بقاء سیستم هموار کند.

8- بازخوران: علاوه بر مطالب بالا که ایستون مطرح کرده‌است، وسیله بازخوران را هم اضافه می‌شود، پاسخ سیستم به شکل بازخوران یا به صورت حمایت یا تقاضا وارد درون سیستم می‌شود. که یا کاهش بقای سیستم یا افزایش بقای سیستم را می‌آورد<sup>129</sup>.

9- روش انطباق هر سیستمی می‌تواند جهت حفظ تعادل و در راستای تضمین بقا خود، خود را با محیط وفق بدهد اما مشکل در این است که اگر سیستم خود را کاملاً با محیط وفق بدهد نه تنها ارزشهای اساسی و

<sup>128</sup>. احمد پیشه‌ور، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ص 108-109

<sup>129</sup>. اخوان زنجانی، *نظریه‌های جدید در علم سیاست*، جزوه درسی نمسال تحصیلی 1377-1378 دانشگاه باقرالعلوم (ع) موضوع نظریه سیستمها.



هویت خود را از دست می دهد بلکه توان هدایت کردن خود را از دست می دهد و نهایتاً نابود می شود بنابراین در این خصوص رفتار سیستمها درباره انطباق با محیط معمولاً به این شکل هست که سیستمها خود را با محیط وفق می دهند اما تا آنجایی که ارزشهای اساسی آنها مورد تهدید قرار نگیرند قطع‌نامه 598 برای حفظ ثبات نظام بود. معمولاً سیستمها ترکیبی از انطباق و کنترل را بکار می برند.

در نظریه سیستمها، اصل در جامعه بر ثبات و تعادل است و اگر نظام سیاسی نتواند چالشها و تنشها را در درون نظام و انگیزه لازم را برای تغییر وضعیت، تضعیف کند یا از بین ببرد و اگر نتواند مانع به وجود آمدن سازوکارهای موثر برای درهم شکستن مقاومت محافظان وضع موجود شود و یا از به وجود آمدن پندارهای جدید و مخالف پندار حاکم ممانعت کند، زمینه برای غلبه تغییر بر تعادل و ثبات فراهم می شود.<sup>130</sup>

### سازوکارهای مقابله با چالش‌های سیستم

ایستون در پی پاسخ به این پرسش بود که چرا و چگونه سیستمهای سیاسی بقاء خود را تامین می کنند؟ او زندگی سیاسی را یک سیستم باز می دانست که با فشارهای محیطهای پیرامون آن روبروست و استدلال می کند که سیستم سیاسی در مقابل فشارهایی که به آن وارد می شوند، می کوشد تا به حیات خود ادامه دهد. بنابراین به تبیین‌های مربوط به علت دوام سیستمها در مقابل بحرانهای مداوم و مکرر پرداخت. بررسی و بسط مقوله‌های تحلیلی اساسی مثل تقاضاها، حمایت‌ها، پاسخ‌های سیستم سیاسی به فشارها و برون‌دادها به عنوان تنظیم کننده حمایت‌های خاص از کارهای وی است<sup>131</sup>. ایستون به فرآیندهای حیاتی سیستم سیاسی اشاره می کند که اگر این فرآیندها خوب عمل نکنند، سیستم نمی تواند دوام بیاورد منظور وی از فرآیندهای حیاتی تخصیص اقتدارآمیز ارزشها در جامعه است. کارکرد جامعه‌پذیری سیاسی جهت دوام سیستمها از محورهای نظریه ایستون است.<sup>132</sup>

ایستون معتقد است که سیستمهای سیاسی در زمان تغییر به حیات خود ادامه می دهند و در برابر فشارها از خود دفاع می کنند. فشارهایی که برای تغییر سیستم وارد می شوند، دو دسته‌اند: یکی فشارهای داخلی از طرف محیط درون اجتماعی و دیگری فشارهای خارجی از طرف محیط برون اجتماعی. بدین ترتیب سیستم سیاسی

<sup>130</sup>. گی‌روشه، همان، ص 115

<sup>131</sup>. چیلکوک ص 240

<sup>132</sup>. چیلکوک، همان، صفحه 253

از رویدادهای درون محیط تاثیر می پذیرد.

در پاسخ به این پرسش که چه تحولی برای سیستم فشار آفرین است باید وزن تحول و توانمندیهای سیستم برای مقابله با آن تحول را بررسی کرد. به عبارت دیگر ممکن است یک تحول برای یک سیستم خاص ناچیز باشد اما همان تحول برای یک سیستم دیگر فشار آفرین باشد. این بستگی به توان نظام سیاسی دارد. ایستون توانمندی نظامها را یکسان نمی بیند. برعکس او معتقد است توانمندی تخصیص اقتدارآمیز ارزشهای نظامها متفاوت است. به همین لحاظ او استدلال می کند که درجه بقا و یا عدم بقای هریک از نظامها، به تبع میزان توانمندی آن نظام فرق می کند. البته به نظر ایستون، به مقتضای پاسخگویی به تقاضاهای محیطی، نظامها به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم می شوند در نظامهای سیاسی پیچیده، علاوه بر ساختار متکثر حکومتی، در سطح جامعه مدنی نیز پاره نظامهایی چون حزب و گروه بندی اجتماعی وجود دارد. هرچه نظام پیچیده تر شود احتمالاً قدرت انطباق آن در پاسخگویی به تقاضاهای محیطی بیشتر می شود<sup>133</sup>.

توازن اجتماعی از سه طریق برقرار می شود و در صورت اختلال یا قصور در آنها، جامعه به بی نظمی می گراید<sup>134</sup>: الف) جامعه پذیری از طریق آموزش و پرورش که از سنین کودکی آغاز می شود و بخشی از این جریان شامل یادگیری فعالیت های اجتماعی و درک توقعات دیگران است. و ب) کنترل اجتماعی که مسلط بر رفتار افراد است و افراد جامعه به علت آن خود را در مشی معقول نگه می دارند که منظور از مشی معقول نیز رفتاری است که از لحاظ نظام اجتماعی مقبول است. نقش شکل برقراری توازن اجتماعی در این است که از افراد بخواهیم حسب ضوابط و معیارهای اجتماعی عمل کنند که اگر از طریق مسالمت آمیز موفقیتی در این خصوص حاصل نشود باید از طریق کنترل اجتماعی آنان را وادار به قبول معیارها کرد.<sup>135</sup> و ج) سازوکار ادغام می باشد که طی آن نظام تصمیم گیری با ایجاد فنون استخدام سیاسی شکل می گیرد. از این پس مفاهیم هنجاری اجتماع پذیری، استخدام سیاسی، و ارتباط سیاسی جای مفاهیم تجربی انسجام، ادغام و تعادل نظام می نشینند که از نظر کارکردگرایان مفاهیمی نظم بخش به کل نظام می باشند<sup>136</sup>.

<sup>133</sup>. سیف زاده، همان، 227-229

<sup>134</sup>. محمدی اصل، همان، صفحه 94

<sup>135</sup>. محمدی اصل، همان، صفحه 94

<sup>136</sup>. سیف زاده، همان، 268

## سازوکارهای فرهنگی (جامعه پذیری)

اگر چالش‌های موجود جامعه را در محتوای فرهنگی نظام‌های سیاسی به طور دقیق مطالعه و ارزیابی کنیم، می‌توان تعاملات میان نظام سیاسی و محیط آن را که جنبه فرهنگی دارد، بررسی کرد. چون در این صورت مطالعات انجام شده با واقعیت‌های جوامع انطباق می‌یابد.<sup>137</sup>

وقتی نظام سیاسی به خوبی به کارکردهای خاص خود عمل می‌کند، از کارایی خوبی برخوردار است و موجب ثبات نظام سیاسی می‌شود. ثبات نظام سیاسی مستلزم استمرار تعادل میان سیستم‌های فرعی مختلف در درون نظام اجتماعی است. کل سیستم اجتماعی وقتی با ثبات است که میان سیستم‌های فرعی آن تعادل وجود داشته باشد و تغییر در سیستم‌ها موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی نظام سیاسی می‌گردد. در واقع، تحول در نظام فرهنگی و ارزشی، کل نظام اجتماعی (اعم از نظام سیاسی) را نامتعادل می‌سازد. عدم تعادل میان نظام فرهنگی و ارزشی، موجب بی‌ثباتی اساسی می‌گردد.<sup>138</sup> درحقیقت، در صورت وجود اشتراک بین ارزشهای سیستم سیاسی و عامه مردم، به‌طور معمول، نظام سیاسی ثبات و تعادل دارد. اگر چه ممکن است همیشه و در همه حال چنین نباشد. چون اگر مردم با ارزشهای نظام سیاسی مخالف باشند از روحیه انقلابی برخوردار نباشند و نخواهند ارزش‌های مورد قبولشان به فعلیت برسد، نظام سیاسی دچار عدم تعادل نمی‌شود.<sup>139</sup> پس، بین اندیشه و فرهنگ مردم با آنچه که به صورت واقعی در جهان سیاست اتفاق می‌افتد، رابطه مستقیم و هماهنگی وجود دارد. تغییر در ارزش‌ها مستلزم تغییر در نظام سیاسی و در نتیجه باعث ثبات یا تحول سیاسی می‌گردد. تغییر در نظام ارزشی جامعه مستلزم تغییر در نظام سیاسی و در نتیجه باعث ثبات یا تحول سیاسی می‌گردد. در بعضی از مواقع تغییرات ایجاد شده محدود و در بعضی موارد دیگر بسیار گسترده است. گاهی گرایش‌های سیاسی همه مردم در یک جامعه تغییر می‌یابد و گاهی تنها فرهنگ سیاسی یک گروهی از گروه‌های اجتماعی دچار تغییر می‌شود.<sup>140</sup>

تنها به واسطه‌ی درونی کردن ارزش‌های نهادینه شده است که یکپارچگی انگیزه‌دار اصیل رفتار در ساختار

<sup>137</sup>. عبدالعلی قوام، *سیاست‌های مقایسه‌ای*، ص 83

<sup>138</sup>. حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ص 87

<sup>139</sup>. مصطفی ملکوتیان، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، ص 128

<sup>140</sup>. هرمز مهرداد، *جامعه‌پذیری سیاسی*، ص 50

اجتماعی دست می‌دهد. این امر در وهله نخست از طریق سازوکارهای اجتماعی کردن، و یک رشته فرآیندهای یادگیری، اساساً در مرحله‌های نوباوگی و کودکی در خانه، مدرسه و غیره روی می‌دهد<sup>141</sup> بنابراین، دولت‌ها از طریق آموزش سیاسی می‌توانند احساس وفاداری به نظام، حس میهن‌پرستی، وابستگی به نهادها و ارزشهای سیاسی را در مردم تقویت کنند. در صورت موفقیت نظام سیاسی در این زمینه، برپشتیبانی مردم از دولت و سطح مشروعیت نظام افزوده خواهد شد که پیامد آن، ثبات و استحکام نظام سیاسی می‌باشد. برعکس، در صورت عدم توفیق در چنین برنامه‌ای، مشروعیت نظام زیر سؤال خواهد رفت و نظام سیاسی دچار بی‌ثباتی و تحول خواهد شد.<sup>142</sup> در صورت ایجاد ناهماهنگی بین نظام ارزشی و محیط، برای اعاده تعادل کلی یا باید محیط تغییر یابد، یا نظام ارزشی هماهنگ شود و یا بالعکس.

در واقع، ناسازگاری بین الگوهای فرهنگی و احساسات و اعتقادهای مردم موجب می‌شود تا نقشها علیه نظم اجتماعی به حرکت در آید؛ حرکت‌های اجتماعی و انقلاب، نشانه اعتراض مردمی است که قادر نیستند موقعیت‌های اجتماعی سازگار با قابلیت‌های انسانی خود را پیدا کنند.

به نظر پارسونز، در صورتی که نظام اجتماعی و سیاسی نتواند از طریق جامعه‌پذیری سیاسی، باورها و الگوهای فرهنگی را به نسل جدید منتقل نماید و بین ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جامعه و نظام سیاسی سازگاری ایجاد کند، میان سیستم سیاسی و جامعه، تعارض‌های ارزشی جدی پدید می‌آید و بحران مشروعیت و هویت از نتایج اولیه آن خواهد بود.

### سازوکارهای اجتماعی (کنترل اجتماعی)

کارکردگرایان انسانها را به صورت ماشی‌نهای نی‌ازی می‌بینند که با گردهم آمدن در صدد رفع این نی‌ازها می‌باشند با این وجود انسانها طبع ضروری نی‌ز دارند و باید توسط مکانیسم‌های کنترل اجتماعی این طبع و ذات شر کنترل و اصلاح گردد.<sup>143</sup>

هر ناکامی جزئی در اجتماعی کردن، احتمال دارد موجب انحراف گردد، یعنی موجب برهم خوردن تعادل نظام کنش متقابل که از گرایش انگیزه‌دار برای بازیگر (یابازیگران) جهت رفتاری برخلاف مقررات یک یا چند

<sup>141</sup>. آلکس، همان، ص 422

<sup>142</sup>. مهرداد، هرمز، *جامعه‌پذیری سیاسی*، چاپ اول تهران: پازنگ، 1376. ص 89

<sup>143</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 249

الگوی هنجارین نهادینه شده، سرچشمه می‌گیرد. این امر موجب پدید آمدن سازوکارهای متعدد نظارت اجتماعی می‌شود که نقش آن بازآوردن تعادل است، خواه از راه فلان شکل سرکوب مستقیم و خواه، به نحو ظریف‌تر، از طریق توسعه‌ی « نهادهای ثانوی» که شکل‌های محدودی از رفتار انحراف‌آمیز را در زمینه‌هایی مجاز می‌شمارد که از بقیه‌ی جامعه جدا نگه‌داشته شده‌اند<sup>144</sup>.

پارسونز وجود تعارض اجتماعی را نادیده نمی‌گیرد و یا انکار نمی‌کند و این نکته را روش می‌کند که «هم‌رویدادی دقیق، میان منافع جمع و منافع اعضای منفرد آن بیشتر، موردی محدود کننده است تا وضعی که محتمل باشد واقعاً به دست آید. با وجود این، کارکردباوری پارسونز مسلم نمی‌گیرد که جوامع نظام‌هایی خود تعادل بخش‌اند بنابراین تعریف، جوامع گرایش به وضع ثبات خواهند داشت. بنابراین، انحراف موجب سازوکارهای نظارت اجتماعی‌ای می‌شود که پیامد آن این است که به مقابله‌ی با انحراف برخیزد و آن را در خود جای دهد. وجود انحراف و وجود «فشارهای اجتماعی» بیشتر «پدیده‌هایی ثانوی» اند تا جزء سازنده‌ی زندگی اجتماعی.

145

کنترل متضمن وجودی یک طرح اولی‌ه برای اقدام است تا بتوان بر اساس آن، هرگونه انحراف از عملیات را ثبت و آن را اصلاح کرد. برای اعمالی یک برنامه کنترلی اثر بخش، وجود بازخوران ضرورت دارد. سیستمهای کنترل کننده سیستمهای هستند که می‌توانند بر محیط خود اعمال کنترل کنند آنچه مهم است میزان کنترل که اینگونه سیستمها بر محیط خود اعمال می‌کنند بستگی دارد بر قدرت نسبی آنها. مفهوم اعمال کنترل بر محیط اینست که سیستم از انطباق با محیط خودداری می‌کند. بازخورد مثبت و بازخورد منفی دو نوع اطلاعات را وارد سیستم می‌کند. بازخورد مثبت حاکی از مطلوبیت عملکرد نظم برای یک جامعه و محیط داخلی و خارجی است و بازخورد منفی از نامطلوب بودن عملکرد غیرقابل پذیرش بودن بازده نظام برای هر یک از دو محیط داخلی و خارجی حکایت دارد. درد و الم و یا لذت و شغف از یکسو و اعلان مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت رفتار انسان از سوی دیگر نشانی از این بازخوردهاست.<sup>146</sup> باز خورد، اطلاعاتی در مورد عملکرد واقعی و برون‌دادهای سیستم فراهم می‌آورد و کنترل، فرآیند مقایسه عملکرد واقعی سیستم با عملکرد از پیش

---

<sup>144</sup>. آلکس، همان، ص 422-423

<sup>145</sup>. الکس، همان، 424

<sup>146</sup>. سیف‌زاده، همان، ص 224-226

تعیین شده با معیارهاست. کنترل مستلزم تعیین استانداردهایی برای سنجش عملکرد واقعی است. چنانچه اطلاعات نشان می دهند که نتایج عملکرد مطابق با استانداردهاست در این صورت بازخورد مثبت نامیده می شود و بر عکس چنانچه اطلاعات بازخورد بیانگر تفاوتها و انحرافات نسبت به استانداردها باشد در این صورت بازخورد منفی است. بازخورد و کنترل به قدری بهم وابسته اند که معمولاً بازخورد را به عنوان بخشی از مفهوم کنترل تلقی می کنند. کنترل بازخورد مثبت ادامه فعالیت های سیستم را به همان صورتی که انجام می گیرد تداوم می بخشد اما کنترل بازخورد منفی بیانگر بازداری عملیات و اصلاحاتی است که به منظور جلوگیری از انحرافات باید صورت گیرد.<sup>147</sup>

### سازوکارهای سیاسی (استخدام سیاسی)

ساختارهای سیاسی، راه های سازمان یافته انجام فعالیت سیاسی توسط افراد هستند آشکارترین ساختارها، نهادهای سیاسی آشنایی همچون احزاب، انتخابات، قوای مقننه، قوای مجریه و دیوانسالاری هستند از طریق کارکرد گزینش کارگزاران تعیین می شود که چه افرادی برای احراز عضویت فعال این ساختارها برگزیده می شوند و برای چه مدتی در این جایگاه باقی می ماند.

انتخابات سیاسی یکی از متداولترین ساختارهای سیاسی در جهان معاصر است آشکارترین مولفه انتخابات یعنی عمل رای دادن تک تک شهروندان یکی از ساده ترین و فراوانترین اعمال سیاسی است. بیشتر انتخابات برای گزینش آن دسته از رهبران سیاسی صورت می گیرد که باید متصدی نقش های سیاستگذاری شوند. انتخاب های شهروندان بر تعیین متصدیان مناصب عالیه حکومتی تاثیر دارد. تغییر حمایت شهروندان منجر به روی کار آمدن ائتلاف های جدیدی می گردد که به خط مشی های تازه ای پای بندند. افزون بر این، میل به احراز مناصب، کسب یا حفظ قدرت سیاسی، رهبران را بر آن می دارد تا برای برآوردن انتظارات شهروندان، خط مشی های خود را تغییر دهند. رای دادن با تمام سادگی می تواند پیامدهای عمیقی داشته باشد.

پیرامون ساختار انتخابات و شرکت رای دهندگان سه نکته وجود دارد: نخست کارکرد انتخابات روشن می شود شرکت کنندگان (رای دهندگان) و نیز نوع رقابت بر روی مناصب خاص مجاز معلوم می گردد. دوم اینکه نظم سیاسی یک سیستم است و پیامدها و کارکردهای ساختارهای انتخاباتی بستگی به دیگر ساختارها و کارکردها نیز دارد. سوم: گزینش کارگزاران، نوعی کارویژه سیستمی است که از راه های بسیار بر عملکرد فرآیند

<sup>147</sup>. ذاکری، همان، ص 51

سیاسی و سیاست‌های عمومی منتج از آن تاثیر می‌گذارد و گزینش کارگزاران می‌تواند مستقیماً به روی کار آمدن سیاست‌گذارانی بینجامد که پای‌بند سیاست‌های متفاوتی باشند. انتخابات رقابتی به شکل غیر مستقیم هم می‌تواند بر سیاست‌ها تاثیر گذارد. این تاثیر غیرمستقیم هنگامی اعمال می‌گردد که نخبگان در جریان سیاست‌گذاری‌های روزمره خود دغدغه افزایش حمایت رای دهندگان یا پرهیز از کاهش حمایت آنها را داشته باشند.<sup>148</sup>

---

<sup>148</sup>. آلموند و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، ص 87-91

## نتیجه گیری

از آنچه در این فصل بیان شد صورتبندی ساختارهای اجتماعی، کارکردها و فرآیندهای مبادله آنان با هم به توضیح داده شد. نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام سیاسی و نظام اقتصادی چهار پاره نظام هستند که در پرتو آن کارکردهای چهارگانه یگانگی، صیانت، نیل به هدف و سازگاری را انجام می‌شود و نظام اجتماعی در تعادل و همبستگی خواهد ماند. هرگاه تغییری در نظام‌های مذکور رخ دهد تعادل جامعه دستخوش بحران شده و چالش‌های فراروی نظم موجود قرار می‌گیرد. برای برون رفت از این چالش‌ها نظریه کارکردی سیستم سازوکارهایی تعبیه کرده است برای ثبات نظام فرهنگی سازوکار جامعه پذیری، تعبیه نموده است، برای نظام اجتماعی، سازوکار کنترل را پیشنهاد می‌کند و برای نظام سیاسی سازوکار استخدام سیاسی را پیش روی تصمیم‌گیران می‌نهد. در پژوهش پیش رو از آنجا که دامنه آن محدود به بررسی چالش‌های سیاسی و فرهنگی است بنابراین در فصول آینده از چهارنظام موجود در نظریه سیستم صرفاً سه نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخته می‌شود و نظام اقتصادی و سازوکار مقابله با چالش‌های آن مورد بحث قرار نمی‌گیرد. بدین سان در فصل بعدی ابتدا چالش‌های دوره حکومت امام علی علیه السلام صورتبندی و سپس سازوکارهای آن حضرت که را ارائه می‌شود و در فصل بعداز آن نیز به همین ترتیب چالش‌های نظام فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطالعه و در بخش‌هایی سازوکارهای جامعه پذیری، کنترل اجتماعی و استخدام سیاسی برای مقابله با چالش‌های موجود پیشنهاد می‌شود.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد